

بررسی فاجعه ترور شهید دکتر محسن فخری زاده در مصاحبه اختصاصی نشریه پناه مردم با کارشناسان نظامی و نمایندگان مجلس

مصاحبه کننده: مهندس مهدی کیان

۲ صفحه

حزب اسلامی پناه مردم ترور آقای فخری زاده از مدیران ارشد هسته‌ای کشور را محکوم کرد.



یوسف شیدائی

فرهنگ سازی در حوزه سیاست

۳ صفحه



دموکراسی، بهترین یا بدترین؟

بهنام سالانی

۳ صفحه



دکتر محمدهادی ذاکر حسین

۵ صفحه

گذاری بر اقدام شورای امنیت در تعقیب کفایت داعش در عراق



مصاحبه با ابوالفضل بازرگان

۶ صفحه

درباره تسخیر سفارتخانه آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸



مصاحبه با عبدالکریم حکیمی

۹ صفحه

از هنرمندان برجسته و عضو انجمن خوشنویسان ایران



پیمان سعدآباد

۱۰ صفحه



کشورهای غیر متعهد

۳ صفحه



تحلیل خبر اعدام روح‌الله زم

۴ صفحه



مفهوم جهانی شدن

۵ صفحه

سخن سردبیر

مدیریت بحران پیش روی کشور با کدام استراتژی ممکن است؟



گرفتی، سپس پیاپی پیمان خویش را می‌شکنند و هیچ پروا نمی‌کنند» (۵۷ انفال) فَإِنَّمَا تَتَّقَتَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِدُوا بِهِمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ؛ پس اگر آنها را در جنگ بیایی پراکنده‌شان ساز تا پروانشان نیز پراکنده شوند، باشد که عبرت گیرند».

(۵۸ انفال) وَإِنَّمَا تَخَافَنَ مِنْ قَوْمٍ خِيفَتُهُ فَإِنِّدُوا إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ؛ اگر بیم این داری که گروهی در پیمان خیانت می‌کنند، به آنان اعلام کن که همانند خودشان عمل خواهی کرد زیرا خدا خائنان را دوست ندارد».

اتفاقاً خداوند در آیه ۶۰ همین سوره تأکید دارد «در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو او نفرت و سازوبرگ جنگی و اسبان ورزیده ابرای جنگ آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، اما خدا آنان را می‌شناسد، بترسانید و اعداؤ آنها ماست»

استطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالِكُمْ) (محمد ۳۵)

پس سستی نوزید، تا به سازش دعوت کنید، با اینکه شما برترید و خداوند با شماست و هرگز چیزی از (پاداش) اعمالتان را کم نمی‌کند. «وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال، ۶۱) اگر دشمن آغوش خود را برای صلح باز کرد، شما نیز بال خود را بگشایید و پیشنهاد صلح را بپذیرید.

ضمناً باید گفت که علیرغم اینکه خوشبختانه باروی کار آمدن دولت دکتر روحانی تلاش و پیگیری سیاست‌های تنش‌زا در منطقه و بازگشایی باب مذاکره با جهان و غرب و تلاش برای لغو تحریم‌ها در دستور کار دولت قرار گرفت که متأسفانه بیشتر این محدودیت‌ها و تحریم‌ها به دلیل خودخواهی‌ها و منفعت‌طلبی‌های فردی و باندی و جناحی برخی افراد و جناح‌های سیاسی داخل کشور و نیز عدم اطلاع از دانش حقوق و روابط بین‌الملل دولت‌های پس از انقلاب و سواستفاده دولت‌های مختلف از جمله آمریکا از همین نقطه ضعف‌ها از اول انقلاب تاکنون بوده است و همین تصمیم دولت دکتر روحانی کشور را در مسیری قرارداد که از بروز تنش میان آمریکا و ایران با کشورهای پیشرفته دنیا کاسته شد و کشور در راستای عقلانیت سیاسی و سیاست‌ورزی در

استراتژی مقاومت برای مذاکره و رفع بحران یا مقاومت برای طرد مذاکره

همانطور که شاهد هستیم کشور پس از روی کار آمدن دولت ترامپ و پس از آنکه ترامپ از برجام خارج شد و نیز درخواست مذاکره از جانب دولت ترامپ توسط دولت‌مردان جمهوری اسلامی رد شد، تحریم گسترده علیه کشور و منافع ملی مردم ما آغاز گردید و دیگر اینکه علیرغم اینکه ما می‌دانستیم که دولت‌مردان آمریکایی در بسیاری از مواردات بین‌المللی نقض عهد نموده‌اند و ضربات جبران‌ناپذیری را بر منافع ملی کشورهای هدف برجا گذاشته‌اند و برای نمونه می‌توانیم به کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ اشاره کنیم که پس از مذاکره مستقیم دکتر مصدق با دولت وقت آمریکا انجام داد که چندی پس از بازگشت مصدق از آمریکا در مدت کوتاهی دولت وقت آمریکا و انگلیس این کودتای ننگین را در کشور پدید آوردند.

اما علیرغم این تجربه و نگرانی برحق جمهوری اسلامی از عواقب اعتماد به تعهدات دولت‌های آمریکایی منافع ملی و دانش روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل و دانش سیاسی و آیات قرآن و سفارش معصومین حکم می‌کند که با احتیاط و بر حسب احتیاط و ضرورت می‌بایست پیشنهاد مذاکره با آمریکا توسط دولت‌مردان رد نمی‌شد و در صورت خروج ترامپ از برجام اعتراض ایران توسط دولت‌های میانجی‌گر و نهاد سازمان ملل پیگیری می‌شد تا بهانه به دست آمریکا نمی‌دادیم و دشمنان مردم فرصت مناسب برای حمله به منافع ملی‌مان را پیدا نمی‌کردند و نمی‌توانستند به همین راحتی تحریم‌مان کنند.

قاعده نفی سبیل برگرفته از این آیه قرآن است که خداوند می‌فرماید: لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ هرگز خداوند راه تسلط بر اهل ایمان را باز نگذاشته است.

(۵۵ انفال) إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ هرآینه بدترین جنبنندگان نزد خدا آنهاییند که کافر شده‌اند و ایمان نمی‌آورند».

سیاسی و سیاست‌ورزی در ۲ صفحه

تصمیمات سیاست خارجی و داخلی بر مبنای عقل و اخلاق سیاسی قرار گرفت و همین امر سبب شد که آن دسته از باندها و جناح‌های سیاسی که از ابتدای انقلاب با شعارهای توخالی و تنشن‌زا هم در بروز جنگ خانمان سوز و هم بحران‌های داخلی بی‌تأثیر نبوده‌اند و همواره جز بدبختی و نابودی و تحریم و تلف شدن نیروهای انسانی در خدمت نیروهای مسلح عنصر دیگری را در سپهر سیاسی ایران رقم زده‌اند و از ابدان مطهر نیروهای مسلح ایران به عنوان ابزاری برای تبلیغ و مصادره انقلاب و باز تعریف انقلابی‌گری در راستای منافع سیاسی و باندي خود استفاده می‌کنند. منافع خود را در خطر ببینند و بر طیل ناسازگاری با برجام و مذاکره برای رفع تبعیض و تحریم و ظلم علیه مردم و منافع ملی کشوران بکوبند و با فریادهای وااسلاما و انقلاب بر باد رفت، فضا را برای پیاده‌سازی قراردادهای بین‌المللی و برجام مخدوش کنند و حتی سبب گردیدند که خود آمریکا و دولت ترامپ که از بروز نارضایتی از مذاکره برای رفع بحران و تحریم و نیز برجام در داخل سواستفاده نموده و این اجازه را به خود بدهند تا براحتی از قرارداد و توافق بین‌المللی خارج گردند و نیز فضا را برای مسموم‌سازی اعتماد بین‌المللی علیه ایران مهیا سازند و حتی در تصمیم‌سازی برای ترور دانشمندان و سردار شهید سلیمانی هیچ تردیدی در خود راه ندهند.

در واقع این دسته از جناح‌ها و افراد از ضرر شرکت‌های انحصاری که در داخل و خارج دارند در هراسند چون تحریم و جنگ و دشمنی ایران با دنیا و لغو برجام و توافقات بین‌المللی برایشان فرصتی بسیار مغتنم است که با بهبود فضای سیاسی و روابط دیپلماتیک ایران با آمریکا و کشورهای پیشرفته این فرصت برای کسب منافع سنگین را برای همیشه از دست خواهند داد و لذا همواره به دنبال استراتژی مقاومت برای لغو مذاکره هستند و منظورشان از مقاومت ملت این است که ملت در فشار و تحریم و فقر و بدبختی زندگی و مقاومت کنند و بمیرند تا آنها روز بر روز میلیاردرتر شوند.

اما با توجه به اینکه به انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری نزدیک هستیم مردم باید با انتخاب آگاهانه به اشخاص و احزابی که استراتژی مقاومت برای مذاکره و رفع ظلم و تحریم را پیگیری می‌کنند انتخاب نمایند و نباید فریب آن دسته اشخاص و جناح‌های سیاسی را بخورند چراکه اینان در غالب شعارهای توخالی و به ظاهر انقلابی و به گونه‌ای که فقط آنان وارسان انقلابند و دلسوز این مردم و انقلاب هستند درصد فریب افکار عمومی و بخصوص عوام‌الناس هستند تا با قبضه دولت و ارکان قدرت شرایط را برای مردم سخت‌تر و دردناک‌تر و باندهای خود سهل‌تر و آسانتر بگردانند.

به امید هشیاری مردم در انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری



بررسی فاجعه ترور شهید دکتر محسن فخری زاده در مصاحبه اختصاصی نشریه پناه مردم با کارشناسان نظامی و نمایندگان مجلس

۱- همانطور که متوجه شدیم طی دو روز گذشته عوامل تروریستی دکتر فخری‌زاده یکی از دانشمندان کلیدی و حساس در حوزه دفاعی کشور را ناجوانمردانه به شهادت رساند. از جمله سوابق او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- استاد فیزیک هسته‌ای دانشگاه امام حسین
- ۲- رییس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع
- ۳- جز ۵ ایرانی لیست ۵۰۰ نفره افراد قدرتمند در جهان به نقل از نشریه فارن پالیسی
- ۴- پدر برنامه هسته‌ای ایران

اخبار رسانه حاکی‌ست که محسن فخری‌زاده تنها دانشمند هسته‌ای ایرانی است که «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نام او را مستقیماً در شو تبلیغاتی خود به زبان آورد و نیز او در سال ۲۰۰۷ در لیست تحریم‌ها بوده است. لذا برآن شدیم که به بررسی ریشه‌های ترور و اینکه کدام عوامل در ترور این مهره کلیدی نظام جمهوری اسلامی دخیل بوده‌اند، لذا این موضوع را با تعدادی از کارشناسان نظامی و نمایندگان مجلس در میان گذاشتیم و نظر آنان را جویا شدیم و اینکه نمایندگان چه اقداماتی را در این خصوص مورد برسی قرار دادند که در پاسخ نماینده محترم رباط کریم جناب آقای نوروزی این‌طور پاسخ گفتند:

پاسخ جناب آقای نوروزی نماینده محترم رباط کریم: ما نمایندگان مجلس این عملیات تروریستی را محکوم می‌کنیم و به نظر من سرمنشأ این ترور از بازرسان آژانس می‌باشد که در بازرسی‌های خود اسامی دانشمندان ما را در اختیار سرویس‌های اطلاعاتی غربی قرار داده‌اند و باید در این‌باره تصمیمی عاجل اتخاذ بشود که در رابطه با وظایف نمایندگی ما نمایندگان مجلس در جلسه امروز با قاطعیت‌آرا طرحی را در پاسخ به این عملیات تروریستی و حضور نمایندگان آژانس در ایران و اقداماتشان به فوریت تمام به تصویب رساندیم.

همین سوالات را با سرهنگ همتی کارشناس انتظامی و از فرماندهان ارشد نیروی انتظامی و فرمانده سابق پلیس پیشگیری تهران در میان گذاشتیم و از او پرسیدیم آیا می‌توان گفت نیروهای امنیتی در وظایف خود کوتاهی کرده‌اند؟ یا اینکه عملیات بقدری پیچیده و سنگین بوده که مامورین امنیتی و حفاظتی آمادگی لازم در برابر این حملات را نداشته‌اند؟ و از ایشان سوال کردیم که می‌توان به عوامل نفوذی نیز در این ارتباط اشاره کنیم؟

بیانیه محکومیت اقدام تروریستی توسط حزب اسلامی پناه مردم

حزب اسلامی پناه مردم عملیات تروریستی در به شهادت رساندن مدیر ارشد تاسیسات هسته‌ای را محکوم کرد.

متن بیانیه به شرح زیر است:

بسمه رب الشهداء وصدیقین

هر گاه کسی، انسانی را بدون ارتکاب قتل و بدون فساد روی زمین به قتل برساند، چنان است که گویا همه انسان‌ها را کشته است و کسی که انسانی را از مرگ نجات دهد، گویا همه انسان‌ها را از مرگ نجات داده است. «مائده/۳۲»

واکنش‌های دفاعی قابل ملاحظه‌ای در موارد بحران داشته باشند.

در ادامه نظر او را پرسیدیم که نظام باید چگونه اقدامات بازدارنده‌ای داشته باشد تا شاهد چنین حوادث مجددی از سوی دشمنان نباشیم که او در پاسخ گفت ما باید دست دانشجویان و محققین را باز بگذاریم تا تحقیقات گسترده به راحتی انجام شود و هیچ محدودیتی نداشته باشد تا با سرعت مواضع دفاعیمان را تقویت کنیم. او عنوان کرد که ما باید اجازه ندهیم هیچ یک از محققینمان در دسترس کارشناسان آژانس قرار بگیرند تا عوامل اطلاعاتی غربی نتوانند به چنین افرادی دسترسی داشته باشند تا آنها را شهید کنند و به ملت ما ضربه بزنند و این بزرگترین سیلی به مוסاد است.

در پایان از او پرسیدیم که ضعف نیروهای امنیتی را دخیل در این ماجرا می‌دانند؟ که در پاسخ گفتند: درست است که صنعت دفاعی و هسته‌ای ما با چنین اعمال تروریستی از کار نخواهد ایستاد اما وجود چنین افراد توانمندی در تاریخ ایران به همین راحتی مشاهده نخواهد شد و در ادامه گفتند بله متأسفانه وزارت دفاع و نیروهای حفاظتی و امنیتی در محافظت کوتاهی کرده‌اند و باید تعداد محافظین بیشتر می‌شده و اشاره به روش غلط محافظت نمودند که بخاطر رعایت امور حفاظتی از بیان آن معذوریت داریم.

ضمناً از جناب سرهنگ خسرو همایونفر یکی از کارشناسان نظامی و امنیتی در سپاه پاسداران نیز که بسیار متخصص و متبحر در امور امنیتی هستند و سال‌ها در سازمان‌های امنیتی و سپاه پاسداران نسبت به رصد فعالیت تروریسم پرداخته‌اند موضوع را در میان گذاشتیم و از ایشان ۵ سوال پرسیدیم که وی با صبر و حوصله به واکوی موضوع پرداختند و با آرامش نکات مهمی را در این مورد متذکر شدند که در ذیل به آن پرداخته‌ایم:

۱- واکنش حضرت‌تعالی نسبت به این موضوع چیست؟ که در پاسخ فرمودند:

سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۶۹

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿۱۶۹﴾

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

اولا که بسیار بسیار متأسف شدیم از اینکه یک فرد با درجه ایمان و تقوای بالا را که شایستگی و لیاقت زیادی را در عرصه‌های گوناگون دفاعی کشور داشت از دست دادیم. دیگر آن‌که تا فردی یا افرادی در کلاس ایشان برای جایگزینی در پست مربوطه پدافند هسته‌ای پیدا شوند مدت زمان بسیاری طول خواهد کشید و همین‌طور اگرچه ایشان به زعم دشمنان بخصوص آمریکا و اسرائیل از بین ما رفتند ولی آنها زنده هستند و همواره نظاره‌گر رفتار و واکنش ما نسبت به این سرزمین و مردم و اطاعت‌پذیری از رهبری و پاسداشت خون شهدا و حفظ تمامیت ارضی کشور خواهند بود. عمیقاً و شدیداً باعث ناراحتی و حتی گریه و شیون ما برای این مرد بزرگ شد. انگار که برادری بزرگتر و دلسوز و مهربان و علمی و با تقوا را از دست دادیم. غم ما اگر از خانواده ایشان بیشتر نباشد کمتر نیست.

۲- نظر خودتان را در مورد عوامل بروز این حادثه تلخ

بازگو نماید؟ که در پاسخ فرمودند: در رابطه با این موضوع من به چند مورد اشاره می‌کنم. اول اینکه تعداد نفرات در تیم حفاظت و سطح آموزش نیروهای حفاظت تقریباً کم بوده و در رابطه با حفاظت از چنین شخصیت ارزشمند و کلیدی نظام تجهیزات لازم تیم حفاظت کم و ساده و پیش پا افتاده بوده و آگاهی‌های حفاظتی لازم را نداشته‌اند تا به موقع بکار بگیرند و نیز نتوانسته در درگیری با مهاجمین برخورداری و بهره‌وری لازم را دارا باشد و در واحد حفاظت از این مرد بزرگ و کلیدی تیم شناسایی باید وجود داشته می‌شد که از قبل خطرات لازم در مسیر رفت و آمد ایشان رصد می‌شد. و در مورد بعدی به بخش دیگر مسئله بر می‌گردد به موضوعات سیاسی داخل و پروژه نفوذ که موقعیت ایشان توسط عوامل نفوذی رصد شده و اطلاعات لازم در اختیار تیم عملیات ترور قرار می‌گیرد که خدا این‌گونه از خائنین داخلی را لعنت کند.

۳- از ایشان پرسیدیم آیا نهادهای امنیتی ما حفره دارند؟ که وی در پاسخ فرمودند: یقیناً همه نهادهای امنیتی در کشورهای مختلف دنیا حفره‌های امنیتی دارند و همچنین نهادهای امنیتی ما. اما نکته اینجاست این حفره‌ها چند درصد قابل نفوذ هستند. اگر برای آنها ۱۰ درصد باشد برای ما بالاتر از این درصد می‌باشد که می‌تواند نگران‌کننده باشد و از همین ناحیه در آینده ضربات مهلکی بخوریم. مانند ضربه‌ای که اخیراً در ارتباط با شهادت دکتر فخری‌زاده متحمل شدیم ناشی از همین حفره‌ها بود.

۴- از ایشان پرسیدیم اشتباهات نظامی و استراتژیک تیم حفاظت ایشان از دیدگاه شما چیست؟ من در سوال قبل پاسخ شما را در چند نکته دادم اما یک نکته دیگر به ذهن رسید و آن این است که چنانچه خودروی حفاظت از ایشان ضدگلوله می‌بود و از استحکام لازم برخوردار بود قطعاً این شهید بزرگوار در قید حیات بودند زیرا که تروریست‌ها نمی‌توانستند در روز روشن و در جلوی چشم مردم بالای نیسان سلاح خودکار سوار کنند و به خودروی ایشان براحتی شلیک کنند و بروند. ۵- مجلس اخیراً طرحی را به تصویب رسانده در رابطه با خروج از برجام که به نظر شما این طرح می‌تواند بازدارنده باشد؟

تاریخ درس عبرت‌هاست. با برسی اجمالی به سابقه برخی کشورها مانند لیبی در ابتدا با حربه‌هایی جلو می‌آیند و بهانه‌هایی به دست می‌آورند و اهداف خود را قویا زمین‌گیر می‌کنند مانند بلای که آمریکا سر لیبی آوردند و براحتی با این‌گونه برنامه‌ها نفت لیبی را غارت می‌کنند و اون‌ها به زعم خودشان این برنامه را برای کشور ما دارند که با وجود رهبری فرزانه جلوی آنها خواهیم ایستاد و مجلس باید اقداماتی را انجام دهد تا به این واسطه مشت محکمی بر دهان دشمنان ملت ایران بزنیم.

نیروهای انقلابی که به شکرانه خدا در مجلس پادر عرصه گذاشته‌اند و در آینده رییس جمهور انقلابی خواهیم داشت و در آینده سه قوا باید کاری ضروری انجام دهند. ماباید فضای مجازی و اطلاعات و هرآنچه در ارتباط با فضای مجازی است زیر نظر رهبری اداره شود و باید مجلس با قاطعیت این طرح را به تصویب برسانند.

تاریخ مصاحبه: ۹۹/۹/۹

زیرا که دشمنان قسم خورده ملت ایران که کودتای ننگین ۲۸ مرداد و تحمیل دیکتاتوری چندین ساله شاهنشاهی و سپس جنگ نابرابر ۸ ساله و ترور دانشمندان هسته‌ای و سردار سرفراز سلیمانی و در آخر ترور جناب آقای فخری‌زاده را برنامه‌ریزی نمودند باز در این راستای اهداف شیطانی و پلید خود از حرکت باز نخواهند ایستاد و ما برای دستگیری آمران و عاملان این جنایت بی‌صبرانه منتظر هستیم و برای موفقیت سربازان گمنام امام زمان دعا می‌نماییم.

به امید شکست استکبار

مهدی کیان مسئول هیات موسس و شورای رهبری

شهادت رساندند و داغ دیگری را بر دل مادران شهیدپرور ایران بزرگ و اسلامی قراردادند. حزب اسلامی پناه مردم ضمن محکوم کردن این جنایت تروریستی که از حافظه ملت ایران پاک نخواهد شد به عاملان و آمران این جنایت هشدار می‌دهد که از خشم مردم و نظام اسلامی در امان نخواهید ماند. و با ترور و جنایت فجیع راه به جایی نخواهید برد. از طرفی توصیه ما به مسئولین ارشد و تصمیم‌سازان امنیتی این است که در نگهداری از این نخبانان و دانشمندان و مهره‌های کلیدی نظام باید بسیار کوشا بوده و الگوریتم امنیتی درخور و شایسته‌ای را در جهت حفظ جان این عزیزان به کار گیرند.

از آنجاکه دشمنان ناهل ملت مسلمان ایران از برای مقابله با پیشرفت‌های نظام برآمده از انقلاب همواره در تلاش برای توطئه و دشمنی‌های مختلفی علیه نخبانان این مرز و بوم بوده‌اند و در این ۴۰ سال بعد از انقلاب اسلامی همواره کوشیده‌اند با طرح توطئه و جنایت‌های متعدد ملت ایران را از پیشرفت و نیل به اهداف والای انسانی انقلاب اسلامی بازدارند که بازگوی این توطئه‌ها و جنایات در مجال این بحث نمی‌گنجد فلذا اخیراً نیز طی انجام یک عملیات تروریستی دیگر یکی از مهره‌های کلیدی کوشا در راستای نیل به این اهداف جناب آقای فخری‌زاده یکی از خدمتگزاران صدیق این میهن عزیز را به



فرهنگ‌سازی در حوزه سیاست

منبع و ارسال از:
یوسف شیدائی

صریح و بی‌پرده باید اذعان داشت که ما التفتت بایسته‌ای به «فرهنگ‌سازی» نداریم و به همین دلیل نیز تا حد زیادی، «بزار زده» شده‌ایم.

نمونه روشن آن را در ارتباط خود با کامپیوتر می‌توانیم مشاهده کنیم. برآستی ما چقدر از کامپیوتر استفاده بهینه به عمل می‌آوریم؟ میزان بهره‌وری کامپیوتر در جامعه ما چقدر است و رتبه ما در این زمینه در سطح جهانی، چیست؟

در عین حال به محض آن که مدلی بالاتر به بازار مصرف می‌آید، با حرص و ولع فراوانی در پی خرید آن برمی‌آییم، بی‌آن که برایمان اهمیت داشته باشد که چرا و بر اساس کدام نیاز و ضرورت!

اتومبیل، نمونه دیگری است که عدم فرهنگ‌سازی درباره نحوه استفاده مناسب از آن، مشکلات فراوان و کلافه‌کننده‌ای را برای ما در زمینه‌های گوناگون رقم زده است و قس‌علی‌هذا.

آیا ابزارزدگی ناشی از عدم فرهنگ‌سازی صرفاً محدود به آلات و ادوات صنعتی و تکنولوژیک است و یا می‌تواند در حوزه‌های دیگر نیز این نقیصه بزرگ را مشاهده کرد؟ اگر خوب نگاه کنیم، پاسخ به این سؤال قطعاً مثبت است.

احزاب و تشکلهای سیاسی، از جمله ابزارهای بسیار مهم در حوزه سیاست به شمار می‌آیند و امروزه انواع کوچک و بزرگ آن را با دیدگاهها و نظریات مختلف در جامعه می‌توان مشاهده کرد. اما مسئله اینجاست که به صرف وجود چنین ابزارهایی می‌توان دل خوش داشت؟ آیا برای رسیدن به توسعه سیاسی و استمرار آن در طول زمان، در دست داشتن فهرستی از نام و عنوان احزاب و تشکلهای سیاسی کافی است؟ مسلماً آنچه می‌تواند احزاب را به ابزارهای کارآمد و توسعه‌ساز تبدیل کند، اهتمام ویژه به فرهنگ‌سازی در این مقوله است. همان‌گونه که فقدان فرهنگ

استفاده از اتومبیل و پایین بودن سطح فرهنگ رانندگی، باعث به وجود آمدن ترافیک سنگین، آلودگی شدید هوا، گره‌های کور در چهارراهها، تصادفات مرگبار و خلاصه به مخاطره افتادن جان و روان انسان‌ها می‌شود، نبود فرهنگ سیاسی غنی و عدم توانایی بهره‌گیری مناسب از ابزار احزاب و تشکلهای سیاسی، خساراتی به مراتب عظیم‌تر را بر یک جامعه تحمیل خواهد کرد چرا که فرصت‌ها و سرمایه‌ها را به هدر داده و در نهایت روحیه یأس و سرخوردگی را بر روح و روان یکایک احاد مردم مستولی خواهد ساخت.

بروز حالت «قابیت منفی» در میان احزاب سیاسی از جمله زیانبارترین آثار فقدان فرهنگ‌سازی مناسب در این مقوله به شمار می‌آید. رقابت منفی زمانی شکل می‌گیرد که هدف اساسی و مهم احزاب تخریب یکدیگر باشد. حاصل این‌گونه رقابت‌های منفی در سطح کلی و کلان خود نیز چیزی جز شکل‌گیری نوعی ذهنیت منفی، مأیوس و بدبین به حال و آینده در بین مردم نخواهد بود.

در این میان شاید این یا آن حزب و تشکل قادر شود به صورت مقطعی، توجه بخش‌هایی از جامعه

را به خود جلب کند اما اتفاقی که در بطن و ضمیر ناخودآگاه جامعه می‌افتد، در مجموع حاصل و دستاورد مثبتی برای کشور در برنخواهد داشت و در نهایت به ضرر همه خواهد بود.

امروز بیش از ربع قرن از آغاز دورانی جدید در حیات سیاسی ملت ایران می‌گذرد و جا دارد با توجه به تجربیات تلخ و شیرین فراوانی که در زمینه عملکرد احزاب و گروه‌های سیاسی داشته‌ایم، بیش از هر چیز توجه خود را به فرهنگ‌سازی برای بهره‌وری هر چه بیشتر از این ابزار سیاسی معطوف داریم. در این راستا بیش از همه، مسئولیت این امر برعهده کادریهای مؤسس و رهبری این تشکلهاست. این عده باید در نظر داشته باشند که هرچند دستیابی به قدرت سیاسی، یک هدف مهم در عرصه سیاست به شمار می‌آید اما مهم‌تر و سرنوشت‌سازتر از آن، شیوه و نحوه دستیابی به این هدف است.

یافتن شیوه‌های صحیح و نهادینه ساختن آن در مرام و مسلک حزبی خود، اگرچه به زبان کاری سهل و ساده به شمار می‌آید، اما در عمل چندان هم آسان نیست. هنگامی که رقابت‌ها اوج می‌گیرد و هیجانات بر اعضا و هواداران غالب می‌شود و تنور انتخابات گرم و بلکه شعله‌ور می‌گردد، این بر عقلای هر حزب و گروه است تا بتوانند بر این‌گونه احساسات فائق آیند.

زمانی که رقابت‌ها پایان می‌پذیرد و نتایج مشخص می‌شود، این بر فرهیختگان هر تشکل است که اخلاق شکست و پیروزی را به یاران خود متذکر شوند و اجازه فراروی از مرزهای آن را به دیگران ندهند. و زمانی که آرامش و سکون بر جامعه حاکم است این بر اندیشمندان هر طیف و دسته است که تلاش بایسته‌ای را برای غنی‌سازی برنامه‌ها و نظریات گروه خود از مسیر تحقیق و تفکر سامان دهند تا در دور آینده رقابت‌ها با دستانی پر در

صحنه سیاست حاضر شوند. این همه، البته، زحمت و حوصله فراوانی را می‌طلبد.

اما در ورای این‌ها به نقش حاکمیت نیز باید توجه داشت چرا که فرهنگ‌سازی برای فعالیت‌های سیاسی، جز در یک محیط عادلانه و بسامان، امکان‌پذیر نخواهد بود. اگر انتظار داریم در سر یک چهارراه، رانندگان خود را مقید به نظم و انضباط دانسته و از کارهایی که باعث مختل شدن ترافیک و به وجود آمدن گره‌های کور می‌شود، اجتناب ورزند، شرط اولیه آن این است که چراغ راهنمای سالم و دقیقی در آن چهارراه نصب باشد.

به همین منوال باید مراقب چهارراه سیاست نیز باشیم تا مبدا هویت و شخصیت ملی و دینی مردم ایران در این چهارراه دچار آسیب و جراحت شود. بی‌تردید وجود قوانین و ضوابط سنجیده و عادلانه و حضور رانندگانی با فرهنگ بالای سیاسی و نیز برخورداری از ابزارهایی کارآمد و توانمند، باعث خواهد شد تا جریان سیاست در این چهارراه هرگز با اختلال مواجه نشود و ملت ایران در بزرگراه توسعه سیاسی، با شتاب هر چه بیشتر به سمت هدف حرکت نماید.



دموکراسی، بهترین یا بدترین؟!

بهنام سلاتی

از گذشته‌های بسیار دور در بین متفکران و اندیشمندان علوم سیاسی این سوال مطرح است که چگونه می‌توان جامعه را به بهترین شکل اداره کرد؟

که به این پرسش جواب‌های گوناگونی داده شده و این باعث به وجود آمدن و مطرح شدن انواع سیستم حکومتی شد. عده‌ای نظام پادشاهی و عده‌ای نظام اریستوکراتی را مطرح کردند و گروهی هم نظام دموکراسی طرح موضوع کردند.

البته باید این نکته را متذکر شوم که در این نوشته سعی شده که حکومت‌ها را از بعد کمی بررسی شود و مجالی برای بررسی حکومت‌ها از لحاظ کیفی که در بر گیرنده: حکومت‌های لیبرال، فاشیسم، کمونیسم، سوسیالیسم، محافظه کاری در این مقال نیست.

در این نوشتار قصد بر آن است که عنوان شود که آیا دموکراسی بهترین نوع روش اداره جامعه است؟

روند تاریخی تا کنون نشان داده است دو سیستم حکومتی پادشاهی و اریستوکراتی برای اداره جامعه مطلوب نیستند که البته باید این مطلب را یادآور شد که به این سیر تکاملی تاریخ نباید تاکید بسیار کرد.

از اوایل قرن هجده به بعد بار دیگر دموکراسی به عنوان یک سیستم اداره جامعه در سطح متفکرین مورد توجه جدی قرار گرفت و پاسخ‌گویی به سوال مطرح شده را مورد کنکاش قرار داد.

آنچه در قدم نخست می‌بایست مورد توجه قرار داد تعریفی پایه برای دموکراسی است که بر مبنای آن نقاط قوت و ضعف اصل دموکراسی را مورد بحث قرار دهیم. در این قسمت به یک تعریفی از ابراهام لینکلن پیرامون دموکراسی بسنده می‌کنیم.

ابراهام می‌گوید: «دموکراسی یعنی حکومت مردم، توسط مردم، برای مردم، توسط همه، برای همه»

البته باید یادآور شد نظریه‌پردازی پیرامون حکومت دموکراسی ریشه در یونان باستان و تحولات مربوط به آن دارد و مربوط دوران مدرن و مختص به آمریکا نیست.



کشورهای غیر متعهد non aligned state oted countries

جنبش عدم تعهد عنوان کشورهای در حال توسعه با هدف استعمار زدایی و مبارزه با امپریالیسم و نو استعمار، ایجاد وحدت و یکپارچگی میان کشورهای درحال توسعه، برقراری مناسبات سیاسی و اقتصادی نظامی در چارچوب اختلافات قدرت‌های بزرگ از

با وجود آن که به نظر می‌رسد توانایی‌ها و شایستگی‌های دموکراسی کاملاً با اهمیت باشد و محبوبیت مشخص آن در جهان آن را بر دیگر شکل حکومت‌ها برتر می‌گرداند. اما از انتقاد به کنار نیست در زیر برخی از کمبودهای دموکراسی را بررسی خواهیم کرد:

۱. حکمرانی جهالت: ارسطو پدر علم سیاست دموکراسی را به عنوان شکل فاسد و گمراه حکومت، نوعی از حکمرانی مردم جاهل محکوم کرده است.

۲. مطلوبیت ثروت: اغلب دموکراسی جدید سرمایه‌داری‌اند. این دموکراسی‌ها از طبقات مالک جانب‌داری می‌کنند. رای کالایی قابل فروش شده است و برنده‌ی مزاید می‌تواند آن را خریداری کند.

۳. تردید درباره اصل نمایندگی در دموکراسی: برای یک نماینده غیرممکن است که نماینده همه در همه مسائل باشد.

۴. سوء استفاده از اصل برابری: این‌گونه برابری از لحاظ منافع جامعه تعیین کننده است زیرا کم‌توجهی به آموزش و دانش کارشناسی دموکراسی را به حکومت نادان‌ها و بی‌آموزش‌ها و نالایق‌ها تبدیل می‌کند.

۵. آموزش دروغین: منتقدان دموکراسی می‌گویند که دموکراسی به آموزش مدنی نادرست می‌انجامد. مبارزات انتخاباتی اغلب مزورانه است و واقعیات غلو و یا تحریف می‌شود.

۶. جلوگیری از پیشرفت علمی هنری و ادبی: به عقیده بورنس اهر تمدنی که دموکراسی می‌آفریند مبتذل، متوسط و تیره و تار است.

۷. تردید در ارزش اخلاقی دموکراسی: دموکراسی از لحاظ اخلاقی مردم را فرومایه می‌گرداند. مبارزات پر تزویر و بهتان‌آمیزی که احزاب به راه می‌اندازند نه تنها مسائل را مبتذل بلکه فساد را زیاد می‌کند.

۸. مخالفت با فردیت و آزادی: دموکراسی راه آزادی تفکر را می‌بندد و عقل را ضایع می‌کند. در جامعه

دموکراتیک متفکر اصیل ریش‌خند می‌شود و یا نادیده گرفته می‌شود.

۹. هزینه زیاد حکومت: مبالغ زیادی صرف تبلیغات و برگزاری انتخابات می‌شود. در کشور ثروتمندی مانند آمریکا میلیون‌ها دلار در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس سنا خرج می‌شود.

۱۰. برتری منافع محلی بر منافع ملی: نمایندگان در راه تأمین حداکثر منافع برای حوزه انتخابی خود با یکدیگر رقابت می‌کنند و بدین ترتیب منافع عمومی و مشترک ملت به خاطر کسب امتیازات محلی نادیده گرفته می‌شود.

۱۱. ضدیت با تکامل: دموکراسی یک هیولای بیولوژیک است. هره رشد یابد بیشتر متمرکز می‌شود و از تکامل همه جانبه جلوگیری می‌کند.

۱۲. حکمرانی عوام: دموکراسی حکمرانی عوام است. در دموکراسی درباره مسائل گوناگون با رای اکثریت تصمیم‌گیری می‌شود.

۱۳. بی‌ثباتی حکومت: دموکراسی تا زمانی با ثبات است که عوام همراه آن باشد. ذهن غیرقابل پیش قابل عوام ممکن است هر آن بر عیله حکومت موجود بشورد و آن بر اندازد.

۱۴. تشویق مبارزات طبقاتی: دموکراسی بذر نارضایی را در میان توده‌های فقیر می‌کارد و این نارضایی ممکن است سرانجام به انقلاب منجر شود.

سخن آخر: در مطالب فوق گوشه‌های چند از ناشایستگی‌های دموکراسی به اختصار برشماردیم و در پایان دوباره این سوال مطرح می‌شود که آیا دموکراسی می‌تواند یک جامعه بسوی یک جامعه آرمانی که در آن به شعور و درک و فهم انسان / به نام انسان و توسط انسان احترام گذشته می‌شود. هدایت کند. در پایان از دوستانی که این مطلب را می‌خوانند تقاضا دارم که به این پرسش من طی یک مقاله پاسخ دهند.

جمله مشخصات کشورهای غیر متعهد است. به دنبال فروپاشی شوروی و پیمان ورشو، بعضی از کشورها مثل آرژانتین از جنبش کناره‌گیری کردند و کشورهای مثل هندوراس و تایلند به عضویت آن در آمدند. قرقیزستان به عنوان عضو ناظر و جمهوری‌های چک و اسلواکی نیز به عنوان میهمان پذیرفته شدند. تا سال ۱۹۴۴ حدود ۱۰۹ کشور عضو جنبش عدم تعهد بودند که مالت و قبرس از اروپا و بقیه از سه قاره آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بودند.

اعضای اولیه جنبش عدم تعهد هند، یوگسلاوی، مصر و اندونزی بودند.

منابع:

۱- آشوری، داریوش؛ دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید
۲- فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و آمار ایران



رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد عبارت است از:

الف- روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده ۱.

ب- پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است.

ج- تلاش برای نفی مرزبندی‌های کاذب و تفرقه‌انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته بندی مردم بر اساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و ...

د- مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف، تبذیر، لغو، تحمل‌پرستی، اشاعه فحشاء و...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضائل اخلاقی.

ه- حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی و نه غربی.

تصره- هر یک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق‌الذکر سهمیم و با موارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد.

فصل سوم: حقوق مطبوعات را معین نموده است که به شرح زیر است:

و نیز در ماده ۳ مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.

تصره- انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می‌باشد.

ماده ۴- هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات بر آید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

ماده ۵- کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است.

و نیز در قانون مجازات اسلامی عدول از این موازین را وصف مجرمانه تلقی نموده و برای آن مجازات معین نموده است و نیز مقام معظم رهبری و امام خمینی هریک در توصیفی جداگانه وظایف خطیر مطبوعات را روشن نموده‌اند:

امام خمینی (ره):

نقش مطبوعات در کشورها منعکس کردن آرمان‌های ملت است. مطبوعات باید مثل معلمینی باشند که مملکت و جوانان را تربیت می‌کنند.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی):

«آنچه که از مطبوعات یک جامعه مورد انتظار است، این است که معلومات مردم را بالا ببرند؛ این کار و این مسئولیت به معنای اثرگذاری مستمر بر روی ذهن و فکر یک مجموعه‌ای از مردم است که همین دارای اهمیت است.»

و اما با کمی دقت در فعالیت‌های خبری کانال آمدنیوز

اخیرا و در پی تایید حکم بدوی صادری از شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی دایر بر محکومیت روح الله زم به اتهام محاربه و فساد فی‌الارض و نشر اکاذیب و سایر اتهامات در دیوان عالی کشور که منجر به صدور حکم سنگین اعدام نسبت به متهم پرونده گردید سبب گردید که روح الله زم حکمش اجرا گردیده و بامداد روز شنبه ۲۲ آذرماه اعدام شود.

اما در خبرهای رسانه‌های مختلف شاهد هستیم که اتحادیه اروپا و وزارت خارجه آلمان و فرانسه و کانادا سازمان دیدبان حقوق بشر و کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران و گزارشگران بدون مرز و اعدام زم را محکوم نمودند و عفو بین‌الملل تاکید کرده است، اعدام مدیر آمدنیوز درست چهار روز بعد از تأیید حکم اعدامش توسط دیوان عالی، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی برای جلوگیری از تشکیل کارزار بین‌المللی علیه این حکم، «شتاب‌زدگی» به خرج داده است.

بله موارد بالا در مواضع سازمان‌های بین‌المللی و کشورها حکایت از این امر دارند که قاعدتاً از دو موضوع کاملاً بی‌اطلاع هستند:

۱- تعریف علمی روزنامه‌نگار و خبرنگار و فعالیت در حوزه خبر و دیگر اینکه تمایز قائل شدن از فعالیت خبرنگاری و فعالیت سیاسی

آنچه که مشهود است تعریف علمی خبرنگار مطابق استانداردهای علمی و قوانین داخلی ایران به شرح زیر است:

خبرنگار کسی است که با انکابه ذوق و استعداد شخصی، پس از گذارنیدن دوره آموزش تخصصی و همچنین با توجه به مسئولیت اجتماعی که این پیشه بر گردن او می‌گذارد، وظیفه بدست آوردن، آماده کردن، گردآوری و سامان دادن اخبار و انتقال آنها را با وسایل ارتباط جمعی (مطبوعات، راديو، تلویزیون و خبرگزاری) به مخاطبان بر گردن دارد.

بر پایه اعلامیه سازمان یونسکو، خبرنگاران باید کوشش کنند تا اخباری که در اختیار عموم می‌گذارند درست، دقیق و معتبر باشد و در درستی اخباری که به دست می‌آورند، پژوهش و اندیشه کنند. خبرنگاران نباید حقیقتی را عمداً تحریف یا خراب کنند و نیز هیچ‌گونه مطلبی را نباید از دید مردم پنهان نگهدارند.

و نیز اصل ۲۴ قانون اساسی رسالت مطبوعات را این‌طور بیان می‌کند: مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن‌که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آنرا قانون معین می‌کند و در فصل دوم ماده ۱ همین قانون اشعار می‌دارد:

جهانی‌شدن (Globalization)

مفهوم جهانی‌شدن سابقهٔ چندانی در علوم اجتماعی ندارد و برای توصیف وضعیت کنونی حاکم بر نظام بین‌الملل از سوی پژوهشگران مسائل سیاسی و امور بین‌الملل به کار می‌رود. جهانی شدن به معنای فرآیندی اجتماعی است که از مدت‌ها قبل آغاز شده و رو به گسترش است و در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده‌ای از زوال این قید و بندها آگاه می‌شوند.

واژهٔ جهانی شدن اشاره به حرکتی به سوی یک جامعهٔ جهانی واحد دارد، به طوری که برقراری ارتباط میان افرادی که به فاصلهٔ خیلی دور از هم زندگی می‌کنند به همان راحتی میان همسایه‌ها خواهد بود. جهانی‌شدن اگر چه بیشتر با رویکرد اقتصادی مطالعه می‌شود ولی دگرگونی‌های اقتصادی مسلماً حوزه‌های فرهنگی و سیاسی جهان را نیز از بروز تحولات بی‌نصیب نمی‌گذارد.

در ادبیات غربی این مفهوم معمولاً به صورت ضمنی توجیه‌کنندهٔ گسترش جبری فرهنگ غربی و جامعهٔ سرمایه‌داری است و لذا از این منظر جهانی شدن پیامد مستقیم گسترش فرهنگ اروپایی از طریق مهاجرت، استعمار، ارتباط و تقلید فرهنگی در سراسر کرهٔ زمین است.

جهانی شدن به مفهوم نوینش با مدرنیسم همراه بوده است. در قرن ۱۹ "سن سیمون" جامعه‌شناس اروپایی دریافته بود که صنعتی شدن عامل تشدید رفتارهای مشابه در کشورهای اروپایی بوده است و همین‌طور "ماکس وبر" جامعه‌شناس آلمانی گسترش عقلانیت ابزاری را روندی عام و جهانی تلقی می‌کرد و "کارل" و "مارکس" نیز رسیدن به جامعهٔ جهانی سوسیالیسم را مدّ نظر قرار داده بودند کمالین که مکتب تشیح حکومت مهدوی را جهانی و جاودانه می‌شمارد.

در قرن ۲۰ تحولات عظیمی رخ داد که این مسأله را بیش از پیش مطرح کرد. پیشرفت صنایع الکترونیک، فواصل موجود در سیاره زمین را کاهش داد و امکان جابجایی سریع افراد و عقاید و منابع را در سراسر کرهٔ خاکی فراهم کرد. همین‌طور مسائلی مثل تخریب لایهٔ اوزون و گرم‌شدن زمین مطرح شد که حل آن‌ها از حوزهٔ اقتدار هر یک از دولت‌ها به تنهایی خارج بود و از طرفی با رشد وابستگی متقابل بین‌الملل دولت‌ها بخش اعظمی از توانایی خود را در حل مسائل کشورهای خود براساس موازین داخلی و چارچوب‌های ملی از دست می‌دادند. این‌ها همه منجر شد که "رولاند رابرتسون" در دههٔ هشتاد مفهوم جهانی شدن را مطرح کند گرچه منتفکران قبل او نیز در قالب‌های مختلفی اشاراتی به این مسئله داشته‌اند. او ابتدا به بررسی فرآیند شکل‌گیری نظام جهانی پرداخت که به چهار مؤلفه رسید:

۱. تقسیم قدرت در سطح بین‌المللی یا قاره‌ای برای ایجاد امنیت دسته جمعی؛
۲. ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای جهانی؛
۳. تعدیل نتایج بین‌المللی طبقه‌بندی کشور از طریق تخصیص مجدد منابع اقتصادی؛
۴. هماهنگ کردن مبادلات بین کشورها در زمینه تجارت، مهاجرت، کارکردهای فرهنگی و نظایر آن.

به نظر رابرتسون امروزه تمام مسائل روزمره به صورت جهانی تعریف می‌شوند؛ مثلاً مسائل سیاسی در قالب نظم جهانی، مسائل اقتصادی در قالب رکود

بین‌المللی و مسائل مربوط به شهروند در قالب حقوق بشر تعریف می‌شوند و در واقع فرد و شهروند به عنوان عضوی از بشریت تلقی می‌شود.

ابعاد جهانی‌شدن

جهانی‌شدن فرآیند عامی است که ابعاد مختلف حیات انسانی را در بر می‌گیرد و با نمودهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، تکنولوژیکی، محیطی و اجتماعی همراه است:

۱- از حیث اقتصادی: جهانی شدن اقتصاد با تحول در حمل و نقل و شبکهٔ ارتباطات که به رشد سریع تجارت و نقل و انتقال گستردهٔ سرمایه انجامید، آغاز شد. رشد بازارهای مالی جهانی و شرکت‌های چند ملیتی و مراکز مالی جهانی مثل بانک جهانی و مهاجرت کارگران همگی حکایت از جهانی‌شدن اقتصاد و مسائل اقتصادی دارد به گونه‌ای که امروزه دولت‌ها بدون توجه به اقتصاد جهانی نمی‌توانند برای مسائل داخلی و اقتصاد خود تدبیر و برنامه‌ریزی کنند.

۲- از بُعد اجتماعی: گسترش سریع مهاجرت‌ها، صنعت توریسم، جهانی شدن الگوهای زندگی و مسائل مشترک جهانی، همگی از نمادهای اجتماعی جهانی شدن محسوب می‌شوند.

۳- به لحاظ سیاسی: تضعیف دولت‌های ملی و ناکار آمدی در حل مسائل داخلی به دلیل ارتباط همبستگی فزاینده مسائل داخلی و خارجی و درهم تنیدن این مسائل و رشد پیمان‌ها و اتحادهای منطقه‌ای و جهانی و ظهور سازمان‌های بین‌المللی همگی نشان از شکل‌گیری نظام نوین سیاسی در جهان است و لذا منافع ملی با منافع جهانی ادغام شده‌اند.

۴- در حوزهٔ فرهنگ: رواج و گسترش فرهنگ و ارزش‌های غربی به عنوان ارزش‌های جهانی و گسترش توریسم و ارتباطات و ماهواره و اینترنت، امکان جهانی شدن فرهنگ را فراهم کرده است و در این میان خرده فرهنگ‌های غیر غربی و بومی در مقایسه با فرهنگ‌های غربی امکانات بسیار اندکی دارند.



جهانی شدن را می‌توان با مفهوم دهکدهٔ جهانی که "مکلوهان" در دههٔ ۶۰ میلادی مطرح کرد مترادف دانست با این تفاوت که دهکدهٔ جهانی بر نقش رسانه و وسایل ارتباطی در گسترش فرهنگی جهانی تأکید می‌کرد که گفتگو در مقیاس جهانی را ممکن و فواصل فرهنگی موجود را رفع می‌کند. از زمانی که شمار انقلاب اطلاعاتی در آمریکا رایج شد و از مرگ ایدئولوژی سخن گفته شد، اندیشهٔ دهکدهٔ جهانی نیز در بازار افکار رواج پیدا کرد و ارتباطات به عنوان مشخصه‌ای که جهانی‌شدن بر آن استوار است مطرح شد.

نتیجه این‌که جهانی‌شدن شامل ارتباط و وابستگی قاعده‌مند در تمامی روابط اجتماعی موجود در کرهٔ زمین با یکدیگر است. در چنین بافت جهانی، هیچ رابطهٔ خاص یا مجموعه‌ای از روابط خاص (مثل یک فرهنگ خاص) نمی‌تواند به صورت مستقل وجود داشته باشد و به حیات خود به راحتی ادامه دهد.

منبع و ارسال از: سید رحیم موسوی ورزشانی

نمود باز از ایران فرار کرده و با شبکه‌ای که در داخل و خارج تاسیس نموده بود اهداف سیاسی خود را دنبال نماید و چون سلسله اقدامات او کاملاً برنامه‌ریزی شده و هدایت شده از سوی سرویس‌های غربی و موساد بوده تقریباً می‌شود گفت تخفیف در مجازات او و یا عدم اعدام او عزم او را برای انجام اهداف و برنامه‌هایش مورد تأثیر قرار نمی‌داد و لذا حکم اعدام در بابت او اجرا گردید.

اما چرا نظام در برخورد با روح الله زم گزینه اعدام را انتخاب کرد و رافت اسلامی و یا تخفیف در مجازات شامل حال او نشد؟ بنا به اطلاع منابع آگاه که بخشی از اطلاعات مربوط به این پرسش را در اختیار این نشریه قرار دادند بعد از دستگیری روح الله زم او به هیچ وجه از اقدامات خود پشیمان نبوده و بر آنها اصرار ورزیده است و به امید آزادی خود بوده که به سبب اینکه فرصتی پیدا

گذاری بر اقدام شورای امنیت در تعقیب کفیری داعش در عراق

دکتر محمد هادی ذاکر حسین

استاد دانشگاه تهران و پژوهشگر مرکز حقوق بین الملل دانشگاه آسترادام



جنگ حقوقی که شاخصه جنگ‌های نظامی قرن بیست و یکم است به موازات هر جنگ سخت نظامی شکل می‌گیرد که می‌تواند مورد استفاده دولت‌ها واقع شود و از رهگذر آن با مشروعیت زدایی از خصم خود، برای خود با نشان دادن اراده و عزم عدالت طلبانه مشروعیت‌زایی کنند.

اکنون که قطعنامه شورای امنیت این راه را برای دیگر کشورهای سرزمینی علاقه‌مند به تعقیب داعش بازگذاشته است، دولت سوریه می‌تواند از این فرصت بهره‌برد و از تیم تحقیقاتی درخواست همکاری نماید و راه را برای تعقیب داعش در سوریه که خواسته جامعه بین‌المللی نیز می‌باشد باز نماید. چنین تیم تحقیقاتی و تعقیبات احتمالی متعاقب آن منحصر به داعش خواهد بود و از این رو دولت سوریه ملاحظه و محظوریتی در اقبال به و همکاری با آن ندارد. جامعه جهانی نیز در مواجهه با درخواست دولت سوریه برای رهایی از سیاست‌های دوگانه اتخاذ کردن مجبور به استقبال و پذیرش است.

و اما دولت ایران که متأسفانه به مانند موارد پرشماری در گذشته در حوزه جنگ حقوقی دیپلماسی منفعل و غیر موثری داشته است این بار می‌بایست با جبران گذشته، اقدام موثری در جنگ حقوقی علیه داعش انجام دهد. این پذیرفته نیست که ایران که در جنگ نظامی علیه داعش وارد شده است در جنگ حقوقی که وقت اعتبار بین‌المللی خریدن است تنها نظاره گر باشد و از کنشگری‌های همپیمانان نظامی خود نیز بی‌بهره بماند و نصیبی نبرد. علاوه بر همکاری با تیم تحقیقاتی تشکیل شده و ارائه اطلاعات و از آن مهمتر معرفی یک کارشناس حقوق کیفری بین‌المللی به این تیم که مورد مطالبه خود قطعنامه می‌باشد، لازم است که جمهوری اسلامی ایران ایده دیرین نگارنده این سطور را مبنی بر ایجاد یک محکمه منطقه‌ای برای تعقیب داعش پیگیری کند.

تیم تحقیقاتی شورای امنیت در صورت تشکیل دادگاه منطقه‌ای می‌تواند یک همکاری خوب و موثر باشد. این روزها که معادلات منطقه، معاملات ایران با کشورهای منطقه مانند عراق و ترکیه را دوچندان کرده است می‌بایست از این فرصت برای کنشگری در جنگ حقوقی بهره جست.



ایران چه بازیگر جنگ حقوقی باشد و چه نباشد، جامعه بین‌المللی اقدامات خود در این عرصه را پیش خواهد برد، لیکن دستگاه دیپلماسی ما نسبت به عدم اقدام و منفعل بودن در تحولات منطقه‌ای در این حوزه علی‌رغم همه ظرفیت‌های بالا برای کنشگری مسئول خواهد بود.

قضایی و محاکم دولت عراق و ظرفیت لازم مرتبط با آن ارایه نمایند. همچنین قطعنامه از تمام دولت‌های عضو درخواست می‌نماید که با تیم تحقیقاتی همکاری نمایند به خصوص در معاضدت‌های حقوقی که لازم و مناسب می‌باشد و به خصوص از رهگذر تامین اطلاعات مورد نیاز که دولت‌ها در اختیار دارند.

قطعنامه شورای امنیت در فرازهای پایانی خود از تمام دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی درخواست می‌کند که تیم تحقیقاتی را در تامین منابع مالی‌اش و همچنین معرفی کارشناسان جهت همکاری با تیم تحقیقاتی یاری نمایند.

جنگ حقوقی جامعه بین‌المللی علیه داعش در عراق البته سرنوشت متفاوتی نسبت به جنگ حقوقی مشابه در سوریه پیدا کرد که برای دستگاه دیپلماسی ایران نیز می‌تواند آموزنده باشد. شورای امنیت برخلاف موضوع عراق، در ماجرای سوریه به بن بست رسیده و به دلیل اعمال حق رای وتو از سوی چین و سوریه تاکنون نتوانسته است اقدامی در راستای تعقیب جرایم بین‌المللی در سوریه بردارد. با ناامید شدن از اقدام شورای امنیت بود که در دی ماه سال گذشته، «مجمع عمومی» سازمان ملل متحد در اقدامی بی‌سابقه اقدام به ایجاد یک مکانیسم مستقل بین‌المللی جهت گردآوری و نگهداری و تحلیل ادله و مدارک ارتکاب جرایم بین‌المللی در قلمروی سرزمینی سوریه نمود که قرار است به موازات «کمیسیون تحقیق شورای حقوق بشر» سازمان ملل متحد در ارتباط با سوریه، به مانند گروه تحقیقاتی تشکیل شده برای عراق، بدون صلاحیت قضایی و تعقیبی تنها در امر تحقیقات و گردآوری ادله اقدام نماید. با این حال تیم تحقیقاتی شورای امنیت به دلیل بهره‌مند بودن از حمایت شورا و دولت عراق از اقبال بیشتری در موفق بودن و همچنین به کار رفتن آورده‌ها و یافته‌هایش در مسیر تعقیب کیفری داعش برخوردار است.

دیپلماسی فعال و تهاجمی عراق در برابر دیپلماسی منفعل و ادباری سوریه نشان داد که با اتخاذ دیپلماسی دقیق می‌توان در راستای منافع ملی در بستر جامعه بین‌المللی به کنشگری پرداخت. تیم تحقیقاتی شورای امنیت برای عراق تنها و تنها به جمع‌آوری ادله علیه داعش خواهد پرداخت. این انحصار در صلاحیت البته مورد انتقاد شدید سازمان‌های حقوق بشری واقع شده است که معتقدند شورای امنیت می‌بایست در راستای عدالت جامع اقدام نماید چرا که نیروهای عراقی و بین‌المللی نیز در مقابله با داعش در عراق در مظان اتهام ارتکاب جرایم بین‌المللی هستند و در نبود اقدام موثر دولت عراق در تعقیب متهمان جبهه مقابل داعش این جامعه بین‌المللی است که می‌بایست عدم اقدام و یا ناتوانی دولت عراق را جبران نماید.

با این حال این ملاحظات مورد توجه جامعه بین‌المللی واقع نشد و تیم تحقیقاتی دولت عراق به درخواست دولت این کشور تنها برای تحقیق و تعقیب جرایم داعش تشکیل گردید و مورد موافقت و استقبال دولت‌ها نیز قرار گرفت. دولت سوریه و دیگر دولت‌های مقابله‌کننده با داعش نیز می‌توانند از اقدام دولت عراق الگو برداری کنند و بخت خود را در کنشگری در جنگ حقوقی علیه داعش بیازمایند.

صالح ملی و یا برای مصارف دیگر قابل استفاده می‌باشد لیکن در این فرض، رضایت دولت عراق که دریافت‌کننده اصلی ادله گردآوری شده خواهد بود برای تحویل ادله به آن دولت‌ها ضروری می‌باشد. این بخش از قطعنامه، راه همکاری تیم تحقیقاتی را با دادگاه‌های بین‌المللی و یا منطقه‌ای یا مختلطی که می‌تواند با همکاری دولت عراق برای تعقیب داعش به صورت انحصاری و یا در امتداد دادگاه‌های ملی عراق ایجاد شود باز نماید. همچنین قطعنامه تاکید می‌نماید که هر دولتی که در قلمروی سرزمینی اش، داعش اقدام به ارتکاب جرایم بین‌المللی نموده است می‌تواند از تیم تحقیقاتی تأسیس شده درخواست همکاری نماید که در این صورت درخواست خود را می‌بایست به تصویب شورای امنیت ملل متحد برساند تا دبیرکل نیز ملزم به تدوین یک شرح وظایف جدید برای مأموریت‌های احتمالی بعدی تیم تحقیقاتی شود. تیم تحقیقاتی ایجاد شده از سوی شورا همچنین موظف شده است تا با بازماندگان و قربانیان جرایم داعش در عراق در ارتباط نزدیک باشد و منافع و نیازهای آن‌ها را مورد لحاظ قرار دهد.

بودجه این تیم از سوی سازمان ملل و از رهگذر ایجاد صندوق معاضدتی که از کمک‌های داوطلبانه دولت‌ها و سازمان‌ها تغذیه خواهد شد تامین می‌گردد. دولت انگلستان متعهد شده است کمک چشمگیری به این تیم تحقیقاتی نماید. اکنون باید منتظر ماند که در یک بازه زمانی دو ماهه، دبیرکل سازمان ملل «شرح وظایف» تیم تحقیقاتی را تهیه و به تصویب شورای امنیت ملل برساند تا پس از آن «مشاور ویژه» رسماً عملیات تیم تحقیقاتی را آغاز نماید. قطعنامه شورای امنیت تاکید کرده است که در شرح وظایف تیم تحقیقاتی می‌بایست به صراحت عضویت قضات تحقیق و دیگر متخصصان و صاحب



نظران قضایی و تعقیبی عراق به صورت مساوی و در کنار کارشناسان بین‌المللی مورد اشاره واقع شود. همچنین تاکید شده است که تکنیک‌ها و دانش‌های لازم در این ارتباط می‌بایست با دولت عراق و کارشناسان آن به اشتراک گذاشته شود. اقدامی که در توانمند سازی حقوقی و قضایی دولت عراق در جنگ حقوقی علیه داعش مفید و موثر خواهد بود که خود یکی از اهداف دولت‌ها در مقرر کردن معاضدت‌های بین‌المللی در حقوق کیفری بین‌المللی است.

قطعنامه ملل متحد از دولت‌های عضو شورای امنیت و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای درخواست می‌نماید که کمک‌های حقوقی خود برای توانمندسازی نظام

تخصص‌های بین‌المللی در ارتباط با تعقیب گروه داعش بهره‌مند شود. در این نامه وزیر امور خارجه عراق با درخواست از دبیرکل برای ارسال درخواست دولت متبوعش به شورای امنیت تاکید نمود که با کشور انگلستان در حال همکاری و تبادل نظر برای تدوین پیش‌نویس قطعنامه‌ای است که با تصویب در شورای امنیت ملل متحد، مسیر ورود شورا به این موضوع را با لحاظ حاکمیت و صلاحیت ملی عراق باز نماید.

همانطور که انتظار می‌رفت درخواست رسمی دولت عراق از شورای امنیت، راه را برای ورود شورا به موضوع تعقیب کفیری داعش در عراق باز نمود و بر همین مبنا و اساس بود که قطعنامه ۲۳۷۹ که پیش‌نویس آن از سوی انگلستان تهیه و ارائه شده بود به تصویب رسید. در تصویب این قطعنامه همه اعضای دائم شورای امنیت از جمله چین و روسیه نیز رای موافق خود را با تاکید بر لزوم احترام نهادن به حاکمیت ملی عراق ابراز داشتند.

قطعنامه اخیر شورای امنیت ملل متحد در مقدمه خود با تاکید بر استقلال، یکپارچگی و حاکمیت ملی دولت عراق تاکید می‌کند که داعش یک تهدید جهانی برای صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد که اقدام به هدف قرار دادن نظام‌مند و گسترده شهروندان غیر نظامی به خصوص زنان و کودکان و همچنین نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه به خصوص از رهگذر به کارگرفتن کودک سربازان و تخریب و قاچاق اموال فرهنگی می‌کند. همچنین مقدمه قطعنامه شورای امنیت با تشریح تلاش‌های چشمگیر دولت عراق در شکست داعش و با استقبال از درخواست دولت عراق برای جلب همکاری ملل متحد تاکید می‌نماید که اجرای عدالت نسبت به داعش در پیشگیری و کاستن انگیزه در ارتکاب اقدامات تروریستی موثر خواهد بود.

هفتاد و دومین نشست «مجمع عمومی سازمان ملل» در نیویورک به اتمام نرسیده بود که ۱۵ عضو دائم و غیر دائم شورای امنیت ملل متحد در روز سی ام شهریور ماه - بیست و یکم سپتامبر و همزمان با «روز جهانی صلح» - به اتفاق آرا قطعنامه‌ای را به تصویب رساندند که بر اساس آن دبیرکل سازمان ملل، آنتونیو گوترش، موظف شده است اقدام به تشکیل یک «گروه تحقیقاتی» نماید تا با جمع‌آوری، نگهداری و دسته‌بندی مدارک و ادله‌ای که در ارتباط با ارتکاب جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و جرم نابودسازی جمعی (نسل کشی) در عراق موجود می‌باشد، به تلاش‌های دولت عراق در به عدالت سپردن اعضای گروه داعش کمک نماید. همزمانی این تصویب با روز جهانی صلح، می‌تواند تأکیدی باشد بر اندیشه‌ای که صلح پایدار را بدون تحقق عدالت میسر نمی‌داند.

ماجرای ورود شورای امنیت به تعقیب داعش در عراق از آنجا آغاز شد که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۵، نماینده عراق در سازمان ملل در نشست این سازمان که جهت استماع گزارش دبیرکل در ارتباط با وضعیت عراق تشکیل شده بود، در بیان کوتاهی از شورای امنیت درخواست نمود تا یک مکانیسم بین‌المللی حقوقی برای انجام تحقیقات نسبت به جرایم ارتکاب یافته از سوی داعش و همچنین تعقیب کفیری ایشان ایجاد نماید. درخواست بغداد البته به صورت جدی پیگیری نشد تا آن‌که در مهرماه همان سال، دولت عراق با همراهی انگلستان و بلژیک در سازمان ملل متحد کمپین «به عدالت سپردن داعش» را ایجاد نمود.

در نشست که در همین ارتباط در مقر سازمان ملل با حضور وزرای خارجه سه کشور مذکور و نمایندگان برخی دول دیگر برگزار گردید، وزیر امور خارجه انگلستان تاکید نمود که با به رو زوال رفتن کنترل و تسلط داعش بر سرزمین‌های خود در عراق، وقت آن است که جامعه جهانی با یکدیگر متحد شود و داعش را به عدالت بسپارد. در این نشست وزیر خارجه انگلستان اشاره نمود که همتای عراقی‌اش پیشنهادی به سازمان ملل در این ارتباط ارائه خواهد نمود و البته این را هم مورد تاکید قرار داد که این اقدام جامعه جهانی در این ارتباط می‌بایست تنها بر تعقیب داعش متمرکز نماید.

مدت‌ها گذشت و از اقدام وعده داده شده دولت عراق خبری نشد تا آنکه در فروردین ماه ۱۳۹۶، نشست دوباره در سازمان ملل برگزار گردید و این بار «مل کلونی» که نمایندگی زنان ایزدی را جهت ایفای حقوقشان در سطح بین‌الملل بر عهده گرفته است با ایراد یک سخنرانی انتقادی، دولت عراق را به دلیل عدم اقدام به موقع مورد سرزنش قرار داد و بار دیگر از این دولت درخواست نمود که با ارسال یک نامه رسمی به شورای امنیت ملل متحد و اعلان رسمی رضایت خود، اسباب و مقدمات ایجاد یک مکانیسم تحقیقاتی برای تحقیق نسبت رفتارهای مجرمانه داعش را فراهم نماید. کلونی در سخنرانی خود تاکید کرد که بسیاری از قربانیانی که او نمایندگی ایشان را برعهده دارد خواهان اجرای عدالت نسبت به داعش هستند.

در پرتو همین مطالبه‌گری‌ها بود که سرانجام وزیر امور خارجه عراق در مرداد ماه سال جاری با ارسال نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل از جامعه جهانی درخواست نمود تا کشور عراق را یاری نماید تا از دانش‌ها و

به نظر شما، رویداد تسخیر سفارت سابق آمریکا و گروگان گیری کارکنان آن به وسیله دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را تابع چه عواملی باید دانست؟

برای تحلیل موضوع و تعیین عوامل و زمینه‌های رخداد مورد بحث، لازم می‌دانم که توضیحات نسبتاً مفصلی به شرح زیر بدهم.

اگر وجود، تداوم و گسترش استبداد و ستمگری در یک کشور را به وجود یک بیماری در پیکر انسان تشبیه کنیم، پدید آمدن انقلاب در آن کشور را می‌توان به منزله انجام دادن عمل جراحی بر روی پیکر بیمار تشبیه کرد. همان‌گونه که نخستین گام برای درمان یک بیماری استفاده از حرکات ورزشی و مصرف دارو است و در صورت بی‌نتیجه ماندن آنها به عمل جراحی روی آورده می‌شود، هنگامی که تلاش‌ها و مبارزات مدنی مسالمت آمیز و اصلاح‌گرایانه برای استبدادزدایی و تغییر ساختار سیاسی به نتیجه نرسد، زمینه‌های شورش و عصیان، و نهایتاً انقلاب، به عنوان راه حل اضطراری و گریزناپذیر، معمولاً به طور خود جوش و بدون تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی ارادی یک فرد یا گروه، فراهم می‌شود و فرد یا گروهی رهبری آن را بر عهده می‌گیرد. به بیان دیگر، تغییر نظام سیاسی از راه انقلاب، که به طور طبیعی مستلزم به کارگیری خشونت و خون‌ریزی است، یک روش مطلوب به شمار نمی‌رود، بلکه حکمرانی آمرانه و تن ندادن حاکم یا هیات حاکمه به اصلاحات قانونی و مسالمت آمیز برخوردار قهری و انقلابی مردم ستم‌دیده و مستاصل برای سرنگونی نظام حاکم و انتقال قدرت به یک نظام دلخواه را گریز ناپذیر می‌سازد.

از سوی دیگر، همان‌گونه که هر عمل جراحی می‌تواند عوارض جانبی و پیامدهای ناخوشایند مانند ضعف جسمانی، درد، عفونت (آمبولی) در پی داشته باشد و برای پیش‌گیری از مرگ ناشی از عفونت، مراقبت‌های ویژه و مصرف آنتی‌بیوتیک و غیره ضرورت می‌یابد، انقلاب نیز می‌تواند، به علل گوناگون، از جمله فرو ریختن ساختارهای شکل‌یافته در طول زمان و جایگزین نشدن فوری آنها با ساختارهای مناسب جدید، هرج و مرج، اعتشاش، بی‌برنامگی و عوارض ناخوشایند دیگر مانند انحراف از آرمان‌ها، دگردیسی و بازگشت به وضع گذشته شود.

هر انقلاب معمولاً دارای دو وجه یا مرحله سلبی و ایجابی است. وجه سلبی انقلاب واژگون کردن نظام سیاسی حاکم و ساختارهای موجود و انتقال قهری قدرت و وجه ایجابی آن جایگزینی و استقرار نظام جدید بر پایه آرمان‌های انقلاب است. مرحله سلبی یا تخریبی معمولاً کوتاه یا نسبتاً کوتاه مدت است و با مشارکت توأم با اتحاد و همدلی اقشار جامعه و پذیرش رهبری یک فرد یا گروه صورت می‌گیرد.

از ویژگی‌های این مرحله ضربتی عمل کردن و عدم توجه به قوانین و مقررات موجود است و گفته می‌شود که انقلاب قوانین ویژه خودش را دارد. از سوی دیگر، در این مرحله نیاز به تخصص‌ها و تجربه‌های مرتبط با حکمرانی و کشورداری کمتر وجود دارد و بار عمده انقلاب بر دوش مبارزان سیاسی و توده مردم، بویژه جوانان، فاقد دانش‌ها و تجربه‌های حکمرانی و مدیریت است.

بر خلاف مرحله سلبی، مرحله ایجابی یعنی دوره بازسازی خرابی‌ها، تدوین طرح‌ها و برنامه‌های مورد نیاز برای ایجاد ساختارهای جدید و تحقق بخشیدن به آرمان‌های اصلی انقلاب مستلزم برنامه‌ریزی عالمانه و خردمندانه و اجرای فرایندهای نظام‌مند به وسیله افراد کاردار و با تجربه در عرصه‌های سیاست، اقتصاد، حقوق، جامعه‌شناسی و مدیریت است و حرکت تحول از وضع موجود به وضع مطلوب باید به صورت تدریجی و حساب شده و بدون شتاب‌زدگی و بی‌قاعدگی انجام گیرد.

در واقع، می‌توان گفت که با سقوط نظام استبدادی حاکم و انتقال قدرت، هدف اصلی انقلاب تحقق می‌یابد و با شکل‌گیری و استقرار اولیه ساختار جدید حاکمیت، تداوم انقلاب موضوعیتش را از دست می‌دهد و دوره تثبیت ساختار جدید و عملی ساختن آرمان‌های انقلاب از طریق اصلاح و تحول آغاز می‌شود. این روند در برخی از انقلاب‌های گذشته طی شده است، ولی در برخی دیگر همچنان بر تداوم انقلاب و انقلابی‌گری به معنای ضربتی عمل کردن، عدم ایجاد نهادهای واقعاً دموکراتیک و باقی ماندن قدرت همه جانبه در اختیار یک فرد یا حزب تأکید شده است.



مصاحبه نشریه پناه مردم با ابوالفضل بازرگان

درباره تسخیر سفارتخانه آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸

یکی دیگر از ویژگی‌های بیشتر انقلاب‌ها این بوده است که به علت کمبود دانش و تجربه گردانندگان و فعالان انقلاب در مدیریت عمومی و کشورداری، تشکیل دولت و اداره کشور پس از پیروزی انقلاب به دست افراد با تجربه، کاردان و میانه‌رو سپرده شده است ولی در فاصله کوتاهی، به علت تداوم شور انقلابی در بخشی از جامعه، بویژه در میان جوانان، رقابت احزاب و جناح‌های طرفدار انقلاب برای کسب سهمی در قدرت و جایگاه سیاسی و حاکم کردن ایدئولوژی یا خط مشی مورد نظرشان و نیز تلاش فرصت طلبان و نفوذی‌های غیروفادار و حتی مخالف آرمان‌های انقلاب برای دستیابی به قدرت، ثروت و امکانات پیشبرد برنامه‌های دلخواهشان (فارغ از منافع و مصالح ملی)، اتحاد ملی دوران انقلاب از میان رفته و تدریجاً و انقلابی‌گری‌های نابخردانه حاکم شده است.

این الگو در مورد انقلاب سال ۵۷ در ایران نیز تجربه شد. بیشتر اعضای شورای انقلاب فاقد تجربه مدیریت در سطح مدیر یا رییس، نایب رییس و حتی مدیر کل در سازمان‌های دولتی یا بخش خصوصی بودند و از این رو، مهندس بازرگان را که افزون بر تدین و سلامت نفس، دارای تجربه موفق در اداره دانشکده فنی، تاسیس و اداره سازمان آب تهران، مدیریت هیات خلعید از شرکت نفت ایران و انگلیس و اداره پالایشگاه آبادان و شرکت‌های بخش خصوصی بود، به رغم عدم تمایل آن زنده یاد، برای تشکیل و اداره دولت موقت انقلاب اسلامی انتخاب و به رهبر فقید انقلاب پیشنهاد کردند و او با حکم رهبر انقلاب برای اجرای چند برنامه مشخص شامل تصرف و انتقال قدرت، برگزاری همه پرسی (رفراندوم) برای تعیین نظام جدید، تدوین پیش نویس قانون اساسی، برگزاری انتخابات مجلس بررسی پیش‌نویس قانون اساسی (که نام آن بعداً به مجلس خبرگان قانون اساسی تغییر یافت) و برگزاری همه پرسی برای تصویب قانون اساسی جدید منصوب شد.

مهندس بازرگان، که عمیقاً معتقد به تحول و اصلاح تدریجی و نظام‌مند بود، در نخستین سخنرانی‌اش در صحن دانشگاه تهران تأکید کرد که وظیفه اصلی او اجرای برنامه‌های یاد شده در بالا از طریق طراحی و برنامه‌ریزی متفکرانه و بدون شتاب و اثربیری از التهاب‌ها و هیجان‌های ناشی از شور انقلابی است و بعداً نیز اعضای دولت موقت و مقامات دیگر را از میان کارشناسان و مدیران با تجربه، پاکدست و عمدتاً بدون چشم داشت به قدرت و شهرت برگزید.

شوربختانه، همان آفتی که در بالا گفته شد یعنی روشن ماندن شعله‌های انقلاب، رقابت‌های سیاسی و بی‌نظمی‌های ناشی از فروپاشی یا ناکارآمدی ارتش، شهرت‌طلبی، ژاندارمری و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، اجرای وظایف محول شده را به شدت دشوار کرد. نه تنها شورای انقلاب، کمیته‌های انقلاب، احزاب، جمعیت‌ها و رسانه‌های عمومی با شدت و ضعف متفاوت به دولت می‌تاختند یا همکاری و همدلی

نمی‌کردند، بلکه بدگویی برخی از منتقدان و مخالفان دولت نزد مقام رهبری انقلاب و دادن اطلاعات نادرست یا اغراق‌آمیز به ایشان، باعث ناخشنودی رهبری از عملکرد و دستاوردهای دولت و بعضاً عتاب و هشدار به دولت می‌شد و دولت از پشتیبانی لازم برای اجرای وظایفش برخوردار نبود. وارد شدن به جزئیات کارشکنی‌ها یا اعتراضات منتقدان و مخالفان (چه با نیت خیرخواهی و چه برای تصرف قدرت) نیاز به زمان دراز دارد و از حوصله این مقال خارج است. برای اطلاع بیشتر، می‌توان به کتاب «مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب به قلم مهندس بازرگان»، چند جلد کتاب «بازبانی ارزش‌ها»، مقالات، بیانیه‌ها و مصاحبه‌های تلویزیونی مهندس بازرگان و نیز خاطرات سیاسی دست‌اندرکاران، مفسران، پژوهشگران و تاریخ‌نگاران آن دوران رجوع کرد.

مسائل و مشکلات یاد شده باعث شد که نخست وزیر دولت موقت در دیدارهای هیات وزیران با رهبر فقید انقلاب و دست کم در یک نامه خصوصی به ایشان از تعدد مراکز تصمیم‌گیری و دخالت‌های غیرمسئولانه در امور دولت شکایت کند و ایفای وظایف محول شده را در صورت عدم رفع مشکلات و عدم تمرکز تصمیم‌گیری غیرمقدور اعلام کند و تلویحاً درخواست کناره‌گیری (استعفا) نماید. حملات به دولت موقت پس از سفر نخست وزیر، وزیر امور خارجه و وزیر دفاع به الجزیره برای شرکت در مراسم سالگرد پیروزی انقلاب الجزایر و گفتگو با مقامات ارشد آن کشور، که در حاشیه مراسم و به درخواست آقای برژینسکی، دیدار و گفتگویی با وی در باره روابط میان دو دولت (از سوی مقامات ایرانی، با هدف احقاق حقوق پامال شده ایران و موارد مرتبط با منافع ملی) رخ داد، اوج ناگهانی یافت و با تسخیر سفارتخانه آمریکا در تهران و گروگان‌گیری دیپلمات‌ها و کارمندان سفارت به حداکثر شدت رسید، به گونه‌ای که تداوم کار دولت غیرممکن گردید و استعفا‌ی نهایی مهندس بازرگان و هیات وزیران را در پی داشت.

در باره انگیزه‌های دانشجویان پیرو خط امام و هدف‌های آنان در اشغال سفارتخانه مطالب متنوعی از سوی خود آنان و دیگران گفته شده است که بررسی آنها نیاز به فرصت زیادی دارد. به طور کلی، با توجه به فروکش نکردن جو و آتش انقلاب و از گفته‌های برخی از دانشجویان چنین بر می‌آید که آنان به کندی و غیر انقلابی بودن حرکت دولت موقت (از دیدگاه آنان) و عدم برخورد قاطع با دولت آمریکا برای برگرداندن شاه به ایران و جلوگیری از کودتای احتمالی و تلاش‌های دیگر آمریکا برای نفوذ مجدد در ایران و منحرف کردن انقلاب از مسیر آن (باز هم به گمان دانشجویان و بدون توجه به این که برخورد با آمریکا از دولت خواسته نشده بود و رهبر انقلاب به دکتر یزدی گفته بودند که با آمریکا کج‌دار و مریز رفتار شود) معترض بودند و می‌خواستند که با یک اقدام انقلابی کوتاه مدت، دولت را مجبور به

اجرای خواسته‌های خودشان کنند. البته، تفسیرهای متفاوت دیگری نیز وجود دارد که به آنها نمی‌پردازم. به هر حال، بر خلاف ادعای دانشجویان در مورد این که قصد داشته‌اند تنها چند روز در محل سفارت بمانند و گروگان‌گیری نیز جزء برنامه‌ها و هدف‌هایشان نبوده است، جریان به صورت کاملاً متفاوتی پیش رفت و پیامدهای بسیار زاینباری به بار آورد.

لطفاً خاطرات خود را در آن روز اجمالاً بیان کنید.

چون در آن روز مشغول کار در دفتر بودم، امکان حضور در محل رویداد را نداشتم و به طور غیرمستقیم و اجمالی در جریان قرار می‌گرفتم. بدین ترتیب، خاطره قابل ذکری ندارم.

فارغ از درست یا غلط بودن حرکت دانشجویان (که قطعاً در عرف بین‌الملل جایگاهی نداشته و محکوم است)، سؤال بسیاری از مردم این است که چرا امام این حرکت دانشجویی را که عواقب زاین‌آوری برای کشورمان پدید آورد تأیید کرد و آن را انقلاب دوم نامید؟

گفته شده است که امام خمینی از قصد دانشجویان اطلاع نداشته‌اند و قبلاً از ایشان نظرخواهی نشده است. بر این پایه، اقدام دانشجویان، افزون بر اشکالات دیگر، در واقع سبقت گرفتن از رهبر انقلاب و قراردادن ایشان در برابر عمل انجام یافته بوده است.

همان‌گونه که پیشتر گفته شد، تا پیش از اقدام دانشجویان، هیچ‌گونه دستوری از سوی رهبری یا شورای انقلاب درباره قطع کامل یا نسبی رابطه با آمریکا به وزارت امور خارجه دولت موقت داده نشده بود. پس از ورود دانشجویان به محوطه سفارت آمریکا نیز رهبر انقلاب، در پاسخ به استعلام و نظرخواهی دکتر یزدی از ایشان، گفته بودند که دانشجویان را از آنجا بیرون کنید. از این رو، به نظر می‌رسد که رهبر انقلاب با تعرض به سفارتخانه و شهروندان آمریکا موافق نبوده‌اند، ولی هنگامی که موج پشتیبانی گسترده از سوی روحانیان، سازمان‌های سیاسی و اقشار مردم در تهران و شهرستان‌ها از حرکت دانشجویان صورت گرفت و پیوسته اوج یافت، انتظاری جز این نمی‌رفت که رهبر انقلاب نیز آن را قویاً تأیید و پشتیبانی کنند.

در برخی از توضیحات از افراد مختلف و رسانه‌ها به این نکته بر می‌خوریم که امریکایی‌ها از قبل از این واقعه مطلع بودند و عمداً اقدامی نکردند. آیا به نظر شما این قول صحیح است؟

به گمان من، با توجه به وجود احساسات تند ضد امریکایی در میان مردم، بویژه جوانان، و حمله قبلی نیروهای چپ به سفارت آمریکا، احتمالاً امریکایی‌ها تعرض مجدد به سفارتخانه‌شان را پیش‌بینی می‌کردند ولی مطمئن نیستم که آنان از قصد و برنامه دانشجویان پیرو خط امام و زمان اجرای آن آگاه بوده‌اند. در باره درستی نظر برخی از تحلیل‌گران که دولت آمریکا خود زمینه تسخیر سفارتخانه‌اش را فراهم کرده بود تا از آن در راستای اجرای برنامه‌های مورد نظرش بهره‌برداری کند نیز تردید دارم.

چه گروه‌ها و احزاب سیاسی آن واقعه را تأیید و کدام گروه‌های سیاسی آن را محکوم کردند؟

اطلاع کامل و مستندی در این باره ندارم ولی تا آنجا که به یاد می‌آورم، تقریباً همه گروه‌ها، احزاب و شخصیت‌های منفرد سیاسی از جناح‌های چپ، راست و میانه، حرکت دانشجویان را تأیید کردند. در آن مقطع، بنیان‌گزاران و بخش بزرگی از افراد کلیدی نهضت آزادی ایران مسئولیت‌های سنگین در ارکان دولت موقت داشتند و بنابر متعهد بودنشان به عدم فعالیت و گرایش‌های حزبی، افزون بر اشتغال شدید به اجرای وظایف محول شده به آنان، دخالتی در مدیریت نهضت آزادی نداشتند و حزب به وسیله گروهی متشکل از اعضای با تجربه و سابقه کمتر اداره می‌شد. از این رو، به رغم عدم تأیید حرکت دانشجویان به وسیله سران و فعالان شاغل در دولت، اداره‌کنندگان نهضت آزادی در آن زمان به تأیید کنندگان حرکت دانشجویان پیوستند.

واکنش مردم نسبت به این موضوع چه بود؟

تا آنجا که مشاهده و برآورد می‌شد، واکنش بسیاری از مردم نسبت به حرکت دانشجویان مثبت بود.

یکی از دلایل تخصص ایران و آمریکا اشغال سفارت و طولانی شدن گروگان‌گیری به وسیله دانشجویان پیرو خط امام بود. به نظر شما، چرا گروگان‌گیری طولانی شد و مسئولان دولت موقت در آن زمان چه نقشی در پایان دادن به گروگان‌گیری انجام دادند؟

به طوری که برخی از دانشجویان اشغال‌کننده سفارت، از جمله آقای مهندس اصغرزاده، گفته‌اند، آنان برنامه‌ای از پیش برای ماندن طولانی در سفارتخانه، گروگان‌گیری و نگهداری شهروندان امریکایی نداشتند. احتمالاً آنان پس از مشاهده پشتیبانی گسترده از آن حرکت، بویژه از سوی رهبری انقلاب، و با تشویق سازمان‌ها و افراد تندرو و انقلابی (به تعبیر خودشان)، تصمیم به تداوم و گسترش فعالیت‌هایشان گرفتند که گروگان‌گیری، افشای مطالب مندرج در اسناد سفارت علیه اعضای دولت موقت و کسانی که به باور دانشجویان، ضد انقلاب، وابسته یا جاسوس بودند، از آن جمله بود.

البته، گفته شده است که پس از مدت کوتاهی، در میان دانشجویان اختلاف عقیده و سلیقه پدید آمد و کارها با اتفاق نظر یا اجماع برنامه‌ریزی و اجرا نمی‌شد. می‌توان گفت که آن جوانان کم تجربه و ناآگاه به پیچیدگی‌های سیاسی وارد بازی شطرنجی شدند که نمی‌توانستند حرکات مناسب را با تفکر و تعقل از پیش تعیین کنند و در چنبره این تله‌ای گرفتار شدند که نتوانستند از آن راه‌هایی یابند. از سوی دیگر، به نظر می‌آید که اداره‌کنندگان کشور در آن زمان نیز اراده، توان، تمایل یا جرأت یافتن راه حل مناسب برای برون رفت از بحران و پیش‌گیری از پیامدهای زاینبار آن، از جمله جنگ تحمیلی عراق با پشتیبانی قدرت‌های بزرگ، را نداشتند. البته، نمی‌توان دخالت‌ها، کارشکنی‌ها و توطئه‌های مخالفان داخلی و خارجی انقلاب، نظام و منافع ملی ایران را نیز نادیده گرفت. با توجه به این که دولت موقت دو روز پس از آن رویداد مستعفی و برکنار شد و اعضای آن نه تنها فاقد قدرت و اختیار در اداره امور بودند بلکه در تنگنا و فشار قرار داشتند، طبعاً نمی‌توانستند نقشی در پایان دادن به گروگان‌گیری داشته باشند.

آیا این گفته صحیح است که ناتوانی دولت مرحوم مهندس بازرگان در پایان دادن به موضوع گروگان‌های امریکایی دلیل عمده استعفا‌ی دولت موقت بود؟

همان‌گونه که در پاسخ به پرسش اول گفته شد، زمینه‌های استعفا‌ی دولت موقت از ماه‌ها پیش از حادثه گروگان‌گیری فراهم شده بود و اشغال سفارت و گروگان‌گیری آخرین ضربه بر پیکر دولت موقت بود که منجر به استعفا‌ی نهایی آن شد.

موضع شورای انقلاب در آن زمان چه بود؟

بی تردید، موضع اعضای شورای انقلاب در برابر حرکت دانشجویان یکسان نبود و برخی از آنان، از جمله شخص مهندس بازرگان، موضع مخالف داشتند، ولی شورای انقلاب، به عنوان یک شخصیت حقوقی منصوب رهبر انقلاب و با توجه به تأیید تمام قد حرکت دانشجویان از سوی ایشان، قاعدتاً نمی‌توانست موضعی متفاوت با موضع رهبر انقلاب داشته باشد و آن را رسماً اعلام کند.



نهضت‌های شیعیان عراق

منبع و ارسال از: حسین خردمند

بنابراین از سال ۱۳۶۸ ه. ش. به بعد ناراضیان شیعی مرداب‌های جنوب عراق بارها توسط نیروی هوایی عراق بمباران شدند. این اقدامات کمکی به توقف ناراضی‌نکرد بلکه ناراضی‌گری را تا آغاز حمله عراق به کویت و بویژه پس از شکست عراق از ائتلاف غرب، در مناطق شمال (کردها) و جنوب عراق (شیعیان) به وجود آمد.

هدف مبارزان شمال و جنوب عراق سرنگون ساختن رژیم بعث بود. صدام با وعده اعطای خودمختاری به کردهای شمال جمعیت عراق شیعه مذهبنده و حاکمان سیاسی عراق کافر و وابسته به قدرت‌های استعماری‌اند، همچنان برخاسته قدیمی خود مبنی بر لزوم برپایی یک دولت مستقل و در عین حال اسلامی باقی ماندند.

قیام شیعیان عراق از مساجد، حسینیه‌ها، شهرهای مذهبی و با شعار (الله اکبر) و با رهبری روحانیت آغاز و تداوم یافت. از این رو در زمان کوتاهی قیام به شهرهای زیادی گسترش پیدا کرد، بگونه‌ای که بصره به تصرف و کنترل انقلابیون شیعی در آمد. پس از آن مبارزان شیعی برای سرنگونی صدام تا سی کیلومتری بغداد پیشروی کردند، اما قیام با شکست مواجه شد. مهمترین دلایل این شکست عبارت بودند از:

۱- ادامه ناآرامی‌های جنوب عراق ممکن بود به سقوط حکومت صدام و استقرار یک حکومت شیعی در جنوب، مرکز و شرق عراق منجر شود. چنین اتفاقی برای منافع حیاتی آمریکا و متحدان آن در منطقه ناخوشایند بود. به همین دلیل آمریکا و متحدینش حضور یک حکومت بعثی ضعیف را مناسب‌تر از شکل‌گیری یک حکومت شیعی تشخیص داده و به بهانه عدم مداخله در امور داخلی عراق، دست صدام حسین را در سرکوب شیعیان جنوب آن کشور باز گذاشتند.

همچنین فقدان رهبری متمرکز و واحد، ضعف رهبران قیام در سازماندهی مردم ۲- عدم هماهنگی و اتفاق نظر بین گروه‌های مبارز شیعی، فعالیت سرویس‌های جاسوسی عراق در بر هم زدن اتحاد موجود بین مجاهدین عراقی از طریق شایعه پراکنی، ترور، کنترل و قطع ارتباط و ...

فعلی عراق، اسلام به انقلاب و حکومت و نه به اصلاحات نیاز دارد. جماعت العلماء نیز که بعدها در شکل حزب اسلامی به فعالیت خود ادامه داد، تنها راه مبارزه با شرک و ماده‌گرایی را تأسیس دولت اسلامی می‌دانست.

حزب‌الدعوه از سوی (آیت‌الله سید محمد باقر صد ره) تأسیس شد. و خود وی تا زمان شهادتش در سال ۱۳۶۰ ه. ش. رهبری حزب‌الدعوه را بر عهده داشت. حزبی که محبوبیت خود را در جامعه سنی عراق مدیون اندیشه‌های آیت‌الله صدر چون لزوم اتحاد مسلمانان و جوانان تحصیل کرده سنی با شیعیان در نیل به پیروزی بود. جماعت العلماء توسط آیت‌الله حکیم (مرجع شیعیان جهان) شکل گرفت. وی هرگونه رابطه مسلمانان با حزب کمونیست عراق را منع کرد و در سال ۱۳۳۹ ه. ش. با تأسیس حزب اسلامی کار مبارزه با کمونیسم را به شکل سازمان یافته‌تری ادامه داد. آیت‌الله حکیم تا زمان فوتش در سال ۱۳۴۹ ه. ش. رهبری حزب اسلامی را در دست داشت.

اقدامات حزب‌الدعوه و جماعت العلماء و حزب اسلامی در برپایی یک حکومت اسلامی در عراق قرین موفقیت نبود، علت این ناکامی به قوت آیت‌الله حکیم و نیز سیاست‌های حزب بعث در احیای فرهنگ باستانی عراق، اخراج شیعیان، توقیف اموال، دستگیری و اعدام برخی از انقلابیون و مهم‌تر از همه به شهادت رساندن آیت‌الله صدر و خواهرش بنت‌الهدی در سال ۱۳۶۰ ه. ش. نیز به فقدان رهبری واحد، قاطع و آگاه بر می‌گردد.

قیام شیعیان جنوب عراق

امکان ادامه فعالیت گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی مخالف را در داخل خاک عراق کاهش داد. از این رو (مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق) با الهام از اندیشه‌های سید محمد باقر صدر در خارج از عراق تشکیل شد، چنین اقدامی ادامه حیات و فعالیت اندک نهضت اسلامی را در داخل عراق نیز فراهم آورد. اما اندکی بعد از پایان جنگ تحمیلی، ناراضی‌گری جدید دولتی در واکنش به سلطه مستبدانه بعضی‌ها در شیعیان جنوب آن کشور بروز کرد.

رساندن فیصل در عراق طی یک فراندوم فرمایشی در سال ۱۹۲۱ م / ۱۳۰۰ ه. ش.، اعمال نفوذ در انتخابات مجلس ملی، دینی کردن مدارس بر پایه ناسیونالیسم عرب، برقراری اتحاد ۲۵ ساله عراق با انگلیس به عنوان شرطی برای استقلال کشور، اجرای قانون سربازگیری اجباری از شیعیان، افزایش مالیات‌ها و مردم قیام کننده همانند گذشته در پی دستیابی به استقلال کشور از سلطه انگلیسی‌ها بودند، این مخالفت‌ها نیز از سوی روحانیت شیعه هدایت و رهبری می‌شد، بگونه‌ای که مردم بر اساس نظر علمای شیعه از شرکت در انتخابات مجلس ملی که قرار بود بر قیمومت انگلیس بر عراق صحنه گذارد، خودداری کردند. اما روحانیت همانند دوران قیام‌های ضد انگلیسی گذشته در صحنه حضور نداشت. علت این امر به سرکوب قیام ۱۹۲۰ م / ۱۲۹۹ ه. ش.، روی کار آمدن یک دولت ملی، تحکیم سلطه انگلیس در عراق و نیز فقدان رهبر و یا رهبرانی مقتدر چون آیت‌الله محمدتقی شیرازی و شیخ‌الشریعه بود.

تداوم نهضت اسلامی عراق در دهه ۳۰ و ۴۰ هجری شمسی

در نیمه اول دهه ۳۰ ه. ش. / نیمه دوم دهه ۵۰ م. ناسیونالیسم عرب متأثر از اندیشه‌های ناسیونالیستی (جمال عبدالناصر) (حزب‌الدعوه) (تأسیس ۱۳۳۶ ه. ش.) جماعت العلماء (تأسیس ۱۳۳۷ ه. ش.) و حزب اسلامی (تأسیس ۱۳۳۹ ه. ش.) سه تا از این گروه‌ها هستند که اولی بر پایه لزوم تلاش برای بازگشت به اسلام نخستین و مابقی به منظور جلوگیری از گسترش کمونیسم شکل گرفتند.

هدف رهبران حزب‌الدعوه، جماعت العلماء و حزب اسلامی تغییر وضع سیاسی عراق و تبدیل آن به یک وضع مطلوب اسلامی از طریق مبارزه با ناسیونالیسم و کمونیسم و تشکیل حکومت اسلامی بود. این هدف‌ها ماحصل سال‌ها مبارزه سیاسی به شمار می‌رفت. زیرا حزب‌الدعوه پس از بیست سال تلاش ناموفق در متقاعد کردن دولت به لزوم انجام و اجرای اصلاحات، اندکی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران متقاعد شد که در وضع

بعد از تصمیم کنفرانس سان‌ریمو مبنی بر لزوم قیمومت انگلیس بر عراق، شورش‌های گسترده‌ای علیه انگلیسی‌ها در عراق صورت گرفت.

رهبری سلسله قیام‌های دهه دوم قرن جاری میلادی و قیام ۱۹۲۰ م. عراق با روحانیت و بویژه با آیت‌الله محمد تقی شیرازی مرجع بزرگ شیعیان بود؛ زیرا بر اساس فتوای ایشان مردم در جهاد عمومی علیه انگلیس در زمان اشغال بصره شرکت کردند، و در پایان جنگ جهانی اول از شکست در فراندوم انگلیسی در تأیید و تثبیت تحت‌الحمایگی عراق خودداری ورزیدند، و همچنین به دستور معظم‌له (کمیته حیدری) مرکب از روحانیون برای هدایت انقلاب مسلحانه ضد انگلیسی تشکیل شد. با فوت وی قیام از سوی مرجع بعدی یعنی (آیت‌الله فتح‌الله اصفهانی) معروف به (شیخ الشریعه) تداوم یافت.

قیام‌های مردم عراق که در فاصله سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰ م. / ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۹ ه. ش. روی داد، به پیروزی قاطع و آشکار دست نیافت؛ زیرا جهاد عمومی مردم در سال‌های پس از اشغال بصره، به علت ساز و برگ نظامی برتر انگلیسی‌ها، تأثیر وعده استقلالی که انگلیسی‌ها به شیوخ و مردم عراق داده بودند، و نیز ناتوانی قوای عثمانی‌ها که ناشی از ضعف نظامی، رشد فساد فقدان پایگاه اجتماعی آنان بود، منجر به پیروزی‌های پی در پی انگلیسی‌ها شد که با اشغال بغداد در سال ۱۲۹۶ ه. ش. به اوج خود رسید در مرحله بعد انگلیس با بهره‌گیری از فروپاشی عثمانی و برخورداری از حمایت دولت‌های استعماری بزرگ، قیام مردم علیه تحت‌الحمایگی عراق را در هم کوبید. قیام ۱۹۲۰ م. را نیز با انتصاب یک فرماندار خشن برای عراق و تقویت نیروی نظامی بویژه نیروی هوایی بشدت سرکوب کرد.

نهضت اسلامی شیعیان در سه دهه بعد

با سرکوب قیام ۱۹۲۰ م. مخالفت شیعیان عراق با سیاست‌های انگلیس ادامه یافت. این مخالفت‌ها علاوه بر دلایل گذشته، زمینه‌های جدیدتری نیز داشت؛ مانند: تعیین شورای وزیران با اکثریت سنی توسط فرماندار انگلیسی عراق، به پادشاهی

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، منطقه عراق امروزی به تصرف سپاه اسلام درآمد. با پایان گرفتن حکومت کوتاه حضرت علی (ع) به ترتیب امویان، بنی عباس، اموی آل بویه و ترکان سلجوقی بر آن ناحیه حکمرانی کردند. اما عراق در قرن هفتم خورشیدی به اشغال مغولان درآمد. سرانجام در سال ۹۱۳ ه. ش. سلطان سلیمان عثمانی با شکست دادن مغولان بر عراق مسلط شد. این سرزمین تا چهار قرن پس از آن، زیر سلطه امپراتوری عثمانی باقی ماند.

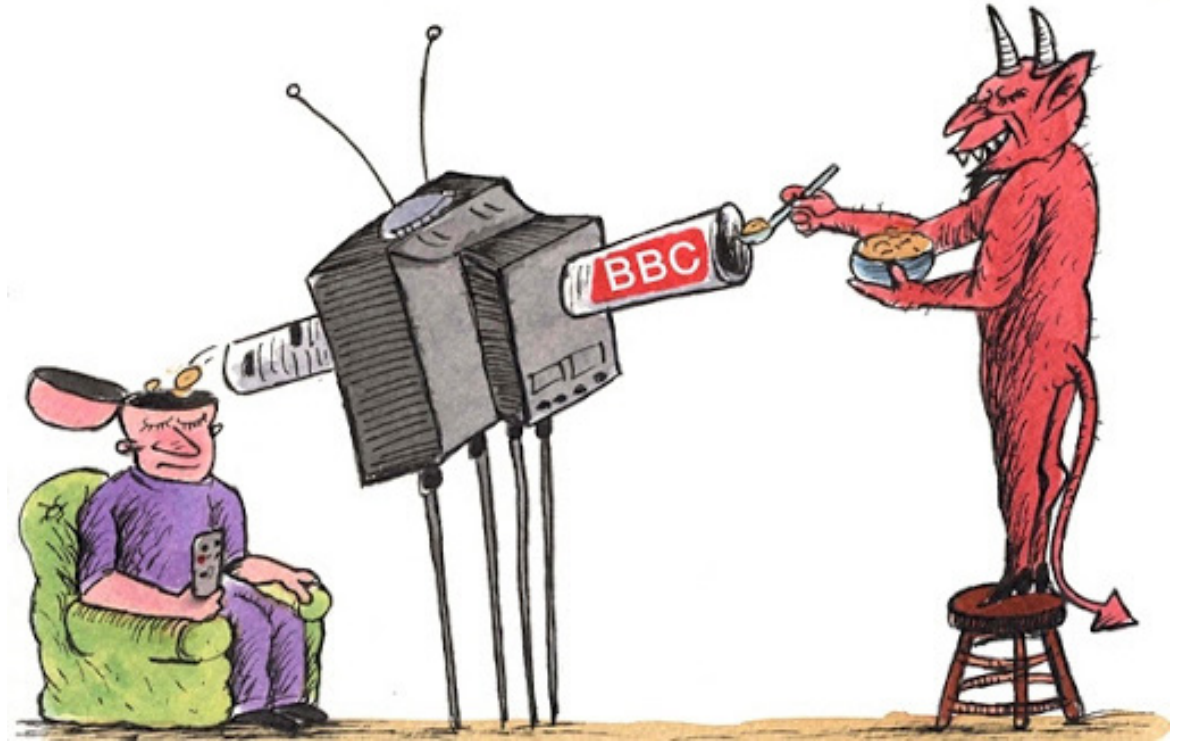
انگلستان در سال ۱۴۱۳ ه. ش. اجازه تأسیس یک دفتر تجاری در مصر را از سلطان عثمانی دریافت کرد. حدود هفتاد سال بخش‌ها گسترش دادند. سه سال بعد از شروع جنگ جهانی اول، انگلستان با بهره‌گیری از ضعف عثمانی و متحدینش تا بغداد و کرکوک پیشروی کرد. این واقعه سرآغازی برای شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی ضد استعماری در تاریخ معاصر عراق شد.

قیام‌های دهه آخر قرن سیزده خورشیدی در عراق

قیام معروف ۱۹۲۰ م. / ۱۲۹۹ ه. ش. عراق، اولین واکنش گسترده مردم عراق علیه سلطه و استعمار غربی بود. نطفه این قیام با تصرف بصره در نخستین سال شروع جنگ جهانی اول بسته شد. اما اشغال بغداد در سال ۱۹۱۷ م. / ۱۲۹۶ ه. ش. عدم وفای به عهد انگلیس مبنی بر اعطای استقلال به عراق پس از جنگ جهانی اول و تحت‌الحمایه کردن عراق طی یک فراندوم فرمایشی، تثبیت نظام قیمومت انگلیس بر عراق در (کنفرانس سان‌ریمو و بویژه فتوای آیت‌الله محمد تقی شیرازی مبنی بر این که (هیچ کس جز مسلمانان حق ندارد بر هدف مردم عراق از قیام علیه انگلیس، رهایی از سلطه، تحت‌الحمایگی و قیمومت آن کشور بود. به همین جهت علیرغم ستم‌ها و ظلم‌های امپراتوری عثمانی نسبت به عراقی‌ها، هنگامی که بصره به اشغال انگلیسی‌ها در آمد، عراقی‌ها در کنار عثمانی‌ها علیه قوای انگلیسی وارد جنگ شدند. همچنین با اعلام تحت‌الحمایگی عراق از سوی انگلیس و بخصوص

نقش دیپلماسی عمومی

در جنگ نرم براندازی در سکوت



دیپلماسی عمومی افزون بر تصحیح و اصلاح وجه کشوری در میان مخاطبان، می‌تواند با افکارسازی ملتی را نیز علیه نظام خود بشوراند و جایگزین کودتا و یا اشغال نظامی شود.

دهد، زیرا این افکار عمومی است که جهان قدرت را می‌سازد و آن را هدایت و رهبری می‌کند. بنابراین تأثیرگذاری بر افکار عمومی ملت‌ها به معنای قدرت بیشتر و نفوذ بی‌هزینه‌تر و سود بیشتر می‌باشد.

هر کشوری می‌کوشد تا دامنه قدرت و نفوذ خویش را افزایش دهد و نقش خود را در مجامع بین‌المللی و جهانی استوار سازد. در این میان همدلی و همراهی ملت‌های دیگر با اندیشه‌ها و سیاست‌های دولتی می‌تواند به معنای نفوذ و قدرت بیشتر باشد. بنابراین دولت با همراهی در کشورهای دیگر می‌تواند مقاصد خود را پیش برد بی‌آن که هزینه‌ای بپردازد.

یونس شکرخواه در تحلیلی درباره عملیات روانی و دیپلماسی رسانه‌ای، به دیپلماسی عمومی نیز اشاره کرده و درباره آن از منابع خارجی می‌نویسد: دیپلماسی عمومی (Diplomacy Public) در فرهنگ واژگان اصطلاحات روابط بین‌الملل که در سال ۱۹۸۵ توسط وزارت خارجه آمریکا منتشر شده این چنین تعریف شده است: «دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع‌رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است؛ ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون آو اینترنت است.» (دیپلماسی عمومی آمریکا ۱۳۸۱ ص ۵).

هانس ان تاج نویسنده کتاب ارتباط برقرار کردن با جهان در سال ۱۹۹۰ در تعریف دیپلماسی عمومی چنین نوشت: «تلاش‌های رسمی دولت برای شکل‌دادن به محیط ارتباطی در کشورهای خارجی‌ای که در آنها سیاست‌های آمریکا اجرا می‌شود، تا بدین وسیله از میزان تأثیرات منفی، سوء تعبیرها و سوء تفاهم‌ها در زمینه روابط میان آمریکا و کشورهای دیگر کاسته شود.»

هیئت مأمور برنامه‌ریزی ادغام در وزارت خارجه آمریکا نیز در سال ۱۹۹۵، دیپلماسی عمومی را این گونه تعریف می‌کند: «دیپلماسی عمومی می‌کوشد منافع ملی ایالات متحده را از طریق مفاهیم، اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بر مخاطبان خارجی ارتقا دهد.» سازمان اطلاعاتی ایالات

- ۶- مراکز مطبوعاتی خارجی
- ۷- مراکز کتاب و منابع اطلاعاتی
- ۸- برنامه‌های رادیو تلویزیونی بین‌المللی

ب. مبادلات آموزش فرهنگی:

- ۱- برنامه تبادل دانشجو، استاد و پژوهشگر
- ۲- مبادلات آکادمیک
- ۳- مطالعات ایالات متحده، کمک به تأسیس و حفظ کیفیت برنامه‌های مطالعاتی پیرامون آمریکا در دانشگاه‌های خارجی
- ۴- آموزش زبان انگلیسی
- ۵- دیدارهای بین‌المللی
- ۶- توریسم

ج. خبرپراکنی بین‌المللی:

- ۱- صدای آمریکا
- ۲- خبرپراکنی‌های وابسته به صدای آمریکا
- ۳- خدمات فیلم و تلویزیون‌های بین‌المللی
- ۴- رادیو مارتی و تلویزیون مارتی
- ۵- رادیو آزادی (سپتام ۱۳۸۲ ش و ۱۰۲۲۷ ع).

نقش دیپلماسی عمومی در جنگ نرم

دیپلماسی عمومی کارکردهای مهمی در جهان سیاست امروز بازی می‌کند. به این معنا که تنها هدف بازسازی وجه مثبت کشوری در میان مخاطبان نیست بلکه در برخی از موارد می‌توان حتی با دیپلماسی عمومی و مردمی، ملتی را ضدنظام حاکم و دولت خود شورانید و آنان را همراه سیاست‌های کلان و حتی خرد خود کرد. این گونه است که ملتی تحت تأثیر دیپلماسی عمومی، خواهان هماهنگی دولت با دولت دیگری می‌شود که این گونه در میان مردم و ملت محبوبیت یافته است.

برای دستیابی به این مهم، دادن بورس‌های دانشجویی به نخبگان کشورها، ایجاد انجمن‌های فعال دانشجویی برای مدیریت دانشگاه‌ها، راه‌اندازی رسانه‌هایی برای کشورهای هدف و مخاطب با نشان دادن جنبه‌های مثبت کشور و مانند آن می‌توان یک دیپلماسی عمومی فعالی را پدید آورد.

در دیپلماسی عمومی و مردمی، انتقال پیام‌های صحیح به مردم مرتبط آن هم به طریق مناسب، می‌بایست به گونه‌ای انجام شود تا مثبت‌اندیشی در خصوص ارزش‌ها و کیفیات ملت و دولت در هسته پیام‌ها تعبیه گردد. به نظر می‌رسد که دیپلماسی عمومی بریتانیا درباره ایران از طریق رسانه‌های چون بی‌بی‌سی فارسی و بورس‌های دادن به نخبگان و ایجاد انجمن‌های دوستی مرتبط، تا اندازه مؤثر بوده است.

به گونه‌ای که بسیاری از مردم مرفه و غرب‌زده شمال شهر تهران، همانند انگلیسی‌ها می‌اندیشند، غذا می‌خورند، جشن می‌گیرند، سیاست می‌ورزند و به سیاست‌های انگلیسی عمل می‌کنند.

دیپلماسی مردمی انگلیس موفق شد تا بریتانیا را سرزمین آزادی‌های و مردم سالاری معرفی کند و پیشینه آن را تصحیح کند و نشان دهد که حقوق اقلیت‌ها در آن مراعات می‌شود و اقلیت‌های مذهبی و نژادی از همه حقوق خود برخوردار می‌باشند. بریتانیا کشوری آزاد، معنطف و مطلوب برای زندگی است و ایران می‌بایست در سیاست و زندگی به این سمت گرایش یابد. این گونه است که انجمن‌های ایرانی در بریتانیا خواسته این وجه مثبت زندگی بریتانیایی را تبلیغ می‌کنند و همراهانشان در ایران آن را در خیابان‌ها و کوچه‌ها می‌برند.

البته دیپلماسی عمومی افزون بر تصحیح و اصلاح وجه کشوری در میان مخاطبان، می‌تواند با افکارسازی ملتی را نیز علیه نظام خود بشوراند و جایگزین کودتا و یا اشغال نظامی شود.

از این روست که از سوی ایالات متحده و دیگر کشورهای متخاصم غربی از جمله انگلیس و فرانسه و دولت صهیونیستی، بهره‌برداری از ابزارهای «دیپلماسی عمومی» در جهت تحقق «براندازی در سکوت» یا

«براندازی نرم» به عنوان یکی از اولویت‌های راهبرد دفاعی امنیتی خود، در ارتباط با ایران، تعریف کرده و گسترش محیط‌های مجازی تهدیدزا یا سایبر را در دستور کار خود قرار داده است.

در این روش، بدین ساختن جامعه به کارگزاران نظام، بحران‌سازی از طریق ایجاد تنش‌های داخلی، بالا بردن سطح انتظارات جامعه و تخصیص بودجه لازم برای گسترش رادیوهای موج کوتاه، شبکه‌های ماهواره‌های فارسی زبان و خبرگزاری‌های اینترنتی مخالف نظام از راهبردهای آمریکا در دیپلماسی تهاجمی علیه ایران نام برده می‌شود.

هدف آمریکا از بهره‌گیری دیپلماسی عمومی در جنگ نرم، وادار کردن کارگزاران نظام به امتیازدهی در عرصه‌های سیاسی-امنیتی، تضعیف انسجام فکری-رویه‌ای کارگزاران نظام و ایجاد شکاف میان سطوح جامعه و حاکمیت می‌باشد. در این روش، دیپلماسی عمومی و یا همان سایبر دیپلماسی در واقع بخشی از بدنه دولت الکترونیک و ساختار دولت مجازی است که این بخش خود مستلزم تقویت بخش «فناوری ارتباطات و اطلاعات» است که آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و اسرائیلی‌ها به خوبی از آن در جنگ نرمی که در زمان انتخابات دهم ریاست جمهوری اتفاق افتاده بهره بردند.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس از توسعه اطلاع‌رسانی دیجیتال، اقدامات مثبت مجلس شورای اسلامی و دولت از طریق وب، ارتقای ضریب نفوذ دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در رسانه‌های خارجی و توسعه بدنه دولت الکترونیک در حوزه‌های بین‌المللی به عنوان بعضی از مزایای گسترش «سایبر دیپلماسی» در حوزه سیاست خارجی نام برده شده و آمده است: امروزه بهینه‌سازی و مدیریت افکار عمومی به یکی از ابزارهای حاکمیت برای تسهیل و تسریع در دستیابی به اهداف سیاسی-امنیتی تبدیل شده است چرا که در دیپلماسی نوین «مدیریت افکار عمومی» جایگاه مهمی دارد و کشمکش‌ها از طریق جریان دیجیتالی اطلاعات رصد می‌شود و در این راستا توجه به افزایش عمق نفوذ راهبردی جمهوری اسلامی ایران از طریق محیط‌های مجازی مانند سایبر دیپلماسی بسیار مهم است.



در پایان می‌توان گفت باتوجه به اینکه گفت‌وگوهای سازمانی، تصویرسازی و اقناع دیگران در سیاست خارجی جایگاه تأثیرگذاری یافته است، به همین دلیل نقش رسانه‌ها در پردازش و اقناع دیگران بسیار مهم‌تر از گذشته شده است.

به هر حال، به نظر می‌رسد که در جنگ نرم، انگلیسی‌ها حتی قوی‌تر و عملیاتی‌تر از آمریکایی‌ها وارد شده‌اند و زیرکی خود را در این حوزه نیز به نمایش گذاشتند؛ زیرا همواره خانه روباه مکانی برای فریب بوده است و روباه جز از مکر و فریب نمی‌تواند بر شیران روزگار چیره شده و بر آنان حکومت کند. انگلیس بی‌گمان بر پایه دیپلماسی مردمی، روباهی زیرک و مکاری است که دست شیطان بزرگ را نیز از پشت بسته است.

منبع و ارسال از: حیدر بیداری کوهدشتی

متحده هم که بیش از چهار سال به صورت تخصصی در زمینه دیپلماسی عمومی فعالیت کرده است، معتقد است: «دیپلماسی عمومی به دنبال آن است که منافع ملی و امنیت ملی ایالات متحده را از طریق شناخت، اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بر مردم کشورهای دیگر و گسترش گفت‌وگو میان شهروندان و نهادهای آمریکایی و هم‌تایان خارجی آنها ارتقا دهد» (دیپلماسی عمومی آمریکا ۱۳۸۱ ص ۶).

میان دیپلماسی عمومی و دیپلماسی سنتی تفاوت‌های جدی وجود دارد؛ دیپلماسی عمومی صرفاً با دولت‌ها سروکار ندارد، بلکه مخاطب خود را در میان افراد و سازمان‌های غیرحکومتی می‌جوید.

از سوی دیگر گفته می‌شود فعالیت‌های دیپلماسی عمومی می‌تواند معرف دیدگاه‌های متفاوتی باشد که از سوی افراد و سازمان‌های خصوصی یک کشور مثل آمریکا علاوه بر نظرات دولت آمریکا مطرح‌اند، درحالی‌که دیپلماسی سنتی با روابط یک دولت با دولت دیگر مرتبط است و مقامات سفارت یک کشور دیگر، معرف آن کشور به شمار می‌روند در صورتی‌که دیپلماسی عمومی متضمن مشارکت بسیاری از عناصر غیردولتی جامعه است (دیپلماسی عمومی آمریکا ۱۳۸۱ ص ۷ و ۸).

به مفهوم دیگر تفاوت دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسمی در:

- ۱- غیررسمی بودن
- ۲- مشخص نبودن هدف
- ۳- فراگیرتر بودن مخاطبان
- ۴- تنوع ابزار و امکانات دیپلماسی عمومی است. فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و برنامه‌های دیپلماسی عمومی آمریکا به اشکال مختلف صورت می‌گیرد که اهم آنها به شرح ذیل است:

الف- فعالیت‌های اطلاع‌رسانی:

- ۱- فایل‌های بی‌سیم مانند ماهواره‌ها
- ۲- سخنگویان و کارشناسان
- ۳- متخصصان مقیم
- ۴- برنامه کنفرانس از راه دور
- ۵- چاپ و نشر

حاد امروز انسان و جهان را در ابعاد زمان و تاریخ منعکس می‌کند و نقش مشیت الهی را از یک طرف و سردرگمی انسانیت سرگشته را از طرف دیگر متبادر می‌کند.

یا در تحریر دیگرم، عمریست که ما منتظر باد صبا، این مصرع با آهنگ و سمفونی زیبا و دلنشینش، همراه با امواج سایه‌های سبزی که آنرا احاطه کرده، انتظار صبح سعادت و بیداری را در انتظار بینندگان ترسیم می‌نماید.

در لوح زیبا و چشم‌نواز هوالباقی، که ذات امر متعال و آفریدگار جهان را یادآوری می‌شود، پوستر جالب توجه و ملاحظه‌ی مجاهد شهید حضرت دکتر شریعتی، که معلم بزرگ انقلاب اسلامی بود هکذا، همه و همه سعی در ابلاغ رسالت هنر برای جامعه را حرف قرار داده و دنبال می‌کند.

۲- آیا هنر داشتن کار سخت است و به نظر شما هنرمند چه صفاتی را باید داشته باشد؟

هنر ودیعه‌ی آفریدگاری خدا در انسان است، بدین مناسبت کاری ست سخت و طاقت فرسا. سالیان متمادی باید مکتب و معیت استاد به یادگیری و تلمذ پرداخت تا مثلاً در یکی از شاخه‌های آن مهارت و تبحر حاصل کرد. بالاخص اگر هنرمند احساس تعهد اجتماعی داشته باشد باید عاشقانه و صمیمانه کار کند. هنرمندان واقعی و مردمی باید ساده و صمیمی و متعهد و ملتمس باشند، چه هنر زانیده‌ی مشیت و مظهر قدس الهی است و جلال خداوندیست. زیرا که خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد (ان الله جمیل و یحب الجمال).

۳- شما از برای انتشار آثار خود چه کرده‌اید و چه سختی‌هایی را متحمل گشته‌اید؟

من تا آنجا که می‌دانم در مورد آثار خطاطی و نقاشی چنین چیزی وجود ندارد. علتش هم عدم حمایت دولت و زیرساخت‌های فرهنگی است. زیرا کشور ما به داشتن حداقل هشتصد سال پیشینه‌ی درخشان خط و خوشنویسی، هنوز از داشتن یک دانشکده برای این هنر ملی و جهانی محروم است. در مورد کارها تعدادی از آثارم را ارسال نمودم.

۴- ما شنیده‌ایم که آثار هنری را باید به ثبت رساند. آیا شما آثار هنری خود را به ثبت رسانیده‌اید؟ و آیا برای ثبت آثار خود رنجی را متحمل گشته‌اید؟ و کدام نهاد وظیفه ثبت آثار هنرمندان برجسته‌ی مثل شما را برعهده دارد و آیا در این زمینه کوتاهی از جانب نهاد بوده؟ اگر پاسخ بله است لطفاً تعدادی از آنان را نام ببرید و در غیر این صورت علت را بفرمایید چیست؟

برای ثبت آثارم اقدامی نکردم. وزارت فرهنگ و هنر باید چنین مسئولیتی داشته باشد و هنرمندان و آثارشان تحت حمایت‌شان باشد.

۵- لطفاً توضیح دهید هر اثر منتشر شده توسط شما آیا تابع شرایطی بوده و اینکه شما المان‌های ظهور اثر را بطور انتزاعی در ذهن خود پدید می‌آورید؟

هنرمند زاده‌ی زمان خودش است و راز و رمزها و المان‌های زمان در تصمیم و کار و الهامش اثرگذار است و من سخت تحت تأثیر فرهنگ و ادبیات طلائی و درخشان هزار ساله ایران و اسلام هستم، و تمامی نوشته‌ها بر گرفته از متون کهن ادبیات فارسی است.

لطفاً برجسته‌ترین اثر خود را معرفی نموده و توضیحی در خصوص آن اعلام بفرمایید؟

در آخر توضیح بفرمایید که آیا خلق اثر هنری چه المان‌هایی دارد که در جامعه هنری ما مغفول مانده و راهکار خلق بهترین اثر چیست؟ و از دیدگاه شما هنرمند دارای سبک هنری کدام اثر یک هنرمند جاوید خواهد ماند؟

هر اثر ویژگی و برجستگی خاص خودش را دارد. تولیدات هنری، همچون مولود انسانی همگی زیبا و مورد علاقه‌ی انسانند. مع‌هذا می‌توان ترجیحاتی قائل شد. مثلاً هوالباقی در آثار من که اصلش را از یک نشریه‌ی فرانسوی اقتباس کرده‌ام مورد علاقه و محبوب من است. تابلوی بعدی که به شدت دوستش می‌دارم، سروده‌ی زیبای دکتر شریعتی به مناسبت تجلیل از دکتر مصدق و کودتای ننگین بیست و هشت مرداد است. و اثر زیبای سوم، بیتی از غزلیات خواجه‌ی شیراز است که متبادر کننده‌ی تحول زمان و گردش دوران و عوارضات جامعه‌ی جهانی است.

آنکه پر نقش زد این دایره‌ی مینائی
کس ندانست که در گردش پرگار چه کرد



لذا هنر را وسیله‌ی ابلاغ پیام و آزادی و آگاهی جامعه می‌دانم و از آن در این راستا بهره می‌گیرم. بدین مناسبت در هر لوح و نوشته‌ای که دارم، این هدف و رسالت را مد نظر دارم. بدین لحاظ بیشترین خطوط و آثارم، اشعار مولانا جلال الدین رومی و مرید و عاشقش، علامه شهیر دکتر محمد اقبال لاهوری است و سایر شاعران و ادیبان انسان اندیش در تاریخ ایران زمین. به عنوان مثال همین تابلوی اخیرم، آنکه پر نقش زد این دایره‌ی مینائی، همین مسائل



مصاحبه با عبدالکریم حکیمی

از هنرمندان برجسته و عضو انجمن خوشنویسان

تهیه مصاحبه از: مهدی کیان

تاریخ مصاحبه: ۹۹/۸/۲۶

هنرمندان در جامعه امروز ما به دلیل مشکلات و مشغله فراوان یک قشر جامعه مظلوم و محروم از توجه مردم و مسئولین قرار گرفته‌اند و انصافاً نباید فراموش کرد که بسیاری از تحولات تاریخی در گذشته و احوال معاصر توسط هنرمندان رقم خورده است و حتی در انقلاب و بعد از آن نیز هنرمندان تحولات شگرفی برای ایران آفریده‌اند. در این رابطه به سراغ یکی از هنرمندان کشور در زمینه هنر خطاطی رفتیم که از او آثار خوب و دلچسبی بوجود آمده است. عبدالکریم حکیمی یکی از این هنرمندان است که از یادها غافل مانده که او و هنرش را باید به مخاطبان و مردم شناساند.

لذا با ایشان گفتگویی تهیه گردیده است که بسیار جالب و شنیدنی است.

با سلام و عرض ادب جناب حکیمی، از جنابعالی بپوش می‌طلبیم که مزاحم اوقات شریف شدیم؛

بندۀ هم سلام عرض می‌کنم و خوشحالم که در خدمت شما هستم. مزاحمتی نیست.

۱- ما برآن شدیم که گوشه‌ای از زحمات هنرمندان کشور را به مردم معرفی نماییم و لذا در این رابطه بیوگرافی از خود و فعالیت‌هایتان را برایمان توضیح دهید:

بله اقدامی بسیار لازم و ضروری است که شما انجام می‌دهید. مورد بیوگرافی باید بگویم که در اول اردیبهشت هزار و سیصد و بیست و نه شمسی در روستائی از توابع هشتگرد، به نام بیک کندی قدم به عرصه‌ی هستی گذاشتم.

یک ساله بودم که از سایه‌ی پدر محروم شدم. در سه سالگی همراه مادر و برادرانم به تهران کوچ کردیم. شش ساله بودم که وارد دبستان شدم. پس از آموزش ابتدائی وارد دبیرستان شدم. پس از اتمام دوره‌ی متوسطه، در سال هزار و سیصد و پنجاه و یک به استخدام یک شرکت خصوصی در آمدم و سی و پنج سال بعد باز نشسته گردیدم. در دهه چهل، با قیام خورشید پانزده خرداد و یک سال بعد با نهضت آزادی ایران آشنا شدم. این آشنائی مقدمه‌ی ورود من به عالم سیاست بود. در فاصله دهه‌ی چهل و پنجاه با همه‌ی نحله‌های فکری و سیاسی آن روزها آشنائی پیدا کردم. طلوع ستاره‌ی دکتر شریعتی نقطه‌ی عطفی در بینش زندگی‌ام بود و سرآغاز فصل مبارزه و جنبش علیه نظام منحوس شاهنشاهی، همراه با سختی‌ها و فرارها و اقت و خیزهای متعدد تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران.

پس از پیروزی انقلاب، در سال هزار و سیصد و شصت و یک رسماً به عضویت نهضت آزادی ایران در آمدم و با مشارکت در ارگان‌های آن، به انجام وظیفه پرداختم. که همچنان ادامه دارد. ضمناً خاطر نشان کنم که من از دوران دبستان، آموزش نقاشی و خوشنویسی را به نحو جدی دنبال می‌کردم و پیشرفت شایان توجه و قابل ملاحظه‌ای پیدا کردم. مع‌هذا برای تکمیل و آموزش متدبیک آن، در سال هزار و سیصد و شصت و هفت وارد انجمن خوشنویسان ایران شدم. و تا اواسط دهه‌ی نود، موفق به دریافت گواهینامه‌ی فوق ممتاز شدم.

پس از بازنشستگی بزرگترین اشتغال من آموزش آزاد خوشنویسی است. در امر خوشنویسی هم رسالت مردمی و بیدارگری را وجهی کار و همت قرار دادم. من از شعار هنر برای هنر متنفرم. هنر، ودیعه‌ی آفریدگاری خدا در انسان است، و حامل رسالت او. هنر غیر ملتزم و متعهد، مذموم و گمراه کننده است.



ساختار گرای

داوود رحیمی سجاسی



اجتماعی، زبان‌شناسی، نقد ادبی، تحلیل فرهنگی، روانکاو، تاریخ اندیشه، فلسفه علم، مردم‌شناسی و رشته‌های دیگر. این اصطلاح در فرانسه ساخته شد و در ادامه در فضایی روشنفکری ریشه گرفت. و به مثابه یک روش مطرح گردید. منظور از روش این است که ساختارگرایی می‌تواند راهنمای تحلیل معانی کلی باشد. این روش به ما امکان می‌دهد که از آنچه دنبال هستیم و نحوه دستیابی به آن تصویری داشته باشیم.

مزایای روش ساختارگرایی

در تماشای یک فیلم وسترن، اگر ساخت را ندانیم و با هر حادثه یا شخصیتی به یکسان برخورد کنیم، باید در حد کور شدن فیلم را نگاه کنیم؛ بدون آنکه راهی برای طبقه‌بندی آنها پیدا کنیم. کاری که ساختارگرایی می‌کند، هدایت ما به هسته مسئله، یا مهم‌ترین و محوری‌ترین جنبه‌های موضوع مورد مطالعه، در عمق جریانی است که در سطح می‌گذرد. ساختارگرایی نه فقط عناصر اساسی، بلکه روابط میان آنها را، به عبارت دقیق‌تر، قواعد حاکم بر آنها را نیز طبقه‌بندی می‌کند. ساختارگرایی مفهومی متفاوت از ساختار را در اختیار ما می‌گذارد، تا روابط میان آنها؛ ولی ساختارگرایی اولویت را به روابط می‌دهد. مثلاً در فیلم‌های مختلف وسترن، عناصر می‌توانند ثابت بمانند؛ ولی روابط حاکم بر آنها معانی بسیار متفاوتی داشته باشند.

نارسایی و مزایای این روش

تفکر ساخت‌گرایانه نقطه‌ضعف‌هایی دارد که جاذبه آن را به عنوان یک چارچوب نظری کلی در جامعه‌شناسی محدود می‌کند. یکی از نارسایی‌های این روش تقلیل‌گرایی است. نادیده گرفتن سطوح ظاهری و جنبه‌های فرعی معنادار و کاهش به شالوده اصلی، از مشخصه‌های تقلیل‌گرایی است؛ حال آنکه همین سطوح ظاهری و فرعی می‌تواند بر غنای مطلب یا پیچیدگی آن بیافزاید. ساختارگرایی از نظام فکری بسیار انتزاعی برخوردار است؛ که می‌توان با آن، سطح دقت تحلیلی را بالا برد و همینطور ساختارگرایی امکان الگوسازی صوری و نیز کاربرد فنون پیچیده آماری و ریاضی را نوید می‌دهد. این نظریه همچنین یک نوع چشم‌انداز فراتاریخی را در مورد زندگی اجتماعی فراهم می‌سازد. بالاتر از همه، چشم‌اندازی را به دست می‌دهد که پهنه گسترده‌تری دارد و می‌تواند هر چیزی از ساختار ذهنی و جامع گرفته تا ساختار جهان طبیعی را مورد بررسی قرار دهد. کار گافمن. با نام تحلیل چهارچوب، گرایش جامعه‌شناسی را به ساختارگرایی نشان می‌دهد. او به فراسو و ماورای موقعیت‌های روزانه نگاه می‌کرد تا ساختارهایی را پیدا کند که به گونه‌ای نامرئی بر این موقعیتها تسلط دارند. گافمن این ساختارهای نامرئی را چهارچوب می‌نامد.

کاربرد نظریه

این نظریه چون از مطالعه زبان سرچشمه گرفته برای بررسی ارتباطات و فرهنگ مفید است؛ ولی در مطالعه مسائل عملی‌تر زندگی اجتماعی، مانند فعالیت اقتصادی یا سیاسی، کاربرد کمتری دارد. [۲] می‌توان گفت: ساختارگرایی (ساخت‌گرایی) شکلی از نظریه است که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۶۰ در رشته‌های مختلف زیر اثرگذار شد؛ فلسفه، نظریه



پیمان سعدآباد

منبع: کتاب تاریخ بیست ساله ایران به قلم حسین مکی و سازمان اسناد و کتابخانه ملی

زمینه‌های شکل‌گیری پیمان:

سیاست خارجی ایران قبل از جنگ جهانی دوم و در زمان رضاخان، بر مبنای استوار ساختن موقعیت خود در برابر دو قدرت شوروی و انگلیس بود. در همین راستا، می‌توان نزدیکی ایران به آلمان را در دوره رضاخان تحلیل کرد؛ اما، این سیاست (یعنی استوار سازی موقعیت در مقابل دو قدرت بزرگ شوروی و انگلیس) تنها با نزدیکی به آلمان تحقق پیدا نمی‌کرد، به همین خاطر رضاخان برقراری روابط دوستانه با دولت‌های همجوار و قدرت‌های منطقه‌ای را در دستورکار قرار داد و در ادامه همین سیاست بود که پیمان سعدآباد منعقد شد.

کشورهای عضو پیمان (ایران، ترکیه، افغانستان، عراق):

ترکیه یکی از جمله کشورهایی بود که ایران به روابط دوستانه با او روی آورد. برقراری روابط دوستانه با ترکیه برای ایران دستاورد بزرگی محسوب می‌شد، چرا که در اثر همین برقراری روابط بود که آزادی مناطق شمالی ایران از سیطره کامل شوروی میسر می‌شد. ایران از طریق ترکیه دسترسی بیشتری به غرب پیدا کرد. از دیگر عوامل نزدیکی ایران به ترکیه مسئله مشترک آنان در باب ناراضی‌های عشایر کرد، در مرزهایشان بود.

نقش قدرت‌های بزرگ در شکل‌گیری پیمان:

برخی این پیمان را ساخته و پرداخته دست بریتانیا دانسته و معتقدند که ایران در این دوره تحت نفوذ استعمار انگلیس بوده و انگلیسی‌ها همواره از نفوذ روس‌ها به کشورهای تحت سلطه خود هراس داشتند و به دنبال بستن راه نفوذ آنها در منطقه بودند؛ و به خاطر همین طرح انعقاد چنین قراردادی را در دستور کار قرار دادند. برخی دیگر نیز دست شوروی را در انعقاد این پیمان مشاهده می‌کنند و عده‌ای دیگر انعقاد پیمان سعدآباد را نتیجه ذکاوت و دوراندیشی دولت‌های متعاقد دانسته‌اند.

فرجام پیمان:

در عمل، این پیمان راه به جایی نبرد، چرا که ایران در عمل تمایل به آلمانی داشت که شریک شوروی بود. کارشناسان آلمانی در بسیار از مؤسسات ایران، از جمله راه آهن، مخابرات، حمل و نقل و اسلحه‌سازی خدمت می‌کردند. از همین‌رو، ناکارآمدی پیمان مزبور در شهریور ۱۳۲۰ ظاهر گشت. چرا که ایران از سمت شمال و جنوب مورد تجاوز قدرت‌های خارجی قرار گرفت و کشورهای هم پیمان نه تنها کمکی به ایران نکردند بلکه از اظهار اربابیت بود، مشورت بکنند و علیه یکدیگر، عملیات متجاوزانه‌ای انجام ندهند.

اهداف پیمان:

طی این قرارداد دولت‌های عضو، ضمن تعهد در مقابله با خطر کمونیسم و همچنین تعهد بر عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، قید کردند که در کلیه اختلافات بین‌المللی که با منافع آنها در ارتباط بود، مشورت بکنند و علیه یکدیگر، عملیات متجاوزانه‌ای انجام ندهند.

کاریزما (Charisma)

منبع: کتاب فرهنگ اصطلاحات سیاسی

کاریزما صفتی فوق‌العاده در یک شخص است. این صفت ممکن است واقعاً وجود داشته باشد یا اینکه ادعا شود و یا وجود آن صرفاً فرض شود.

ریشه لغوی کاریزما منشأ کلیسایی داشته و به معنای «عطیه الهی» است. «کاریزما» نقطه مقابل عقلانی شدن است چه در مفهوم و چه در معنا؛ کاریزما امری غیر عقلانی است که با کردار ضابطه‌مند بیگانه است. بنابراین نیرویی است که در طول تاریخ، خالق ارزش بوده است. بنابراین شخصیت کاریزمایی، شخصیتی است که به خاطر صفات و سلوک خود مورد توجه و تکریم قرار می‌گیرد. چنانچه این توجه و تکریم جنبه سیاسی داشته باشد می‌تواند به استقرار «سیادت [حاکمیت] کاریزمایی» منتهی گردد.

مفهوم کاریزما آنگونه که «وبر» آن را مطرح می‌کند، شامل کلیه تنوعات و تفاوت‌های ماهوی انواع مختلف کاریزما می‌شود. شخصیت کاریزمایی در اندیشه «وبر» نوعی اهمیت فلسفی نیز دارد. «وبر» معتقد است که: چون دنیای معاصر غرب به علت وجود زرفترین گرایش نهفته در آن یعنی گرایش به عقل و منطق، به جانب استقرار دیوانسالاری در تمامی جوانب حیات اجتماعی پیش می‌رود، آزادی فردی و فکری در آن به مخاطره افتاده است؛ بنابراین در چنین شرایطی رهبری کاریزمایی شاید تنها نیرویی باشد که بتواند راهبری به سوی رهایی باشد.

به طور واضح مشخص نیست که تحت چه شرایط خاصی کاریزما و جنبش کاریزمایی پدید می‌آید، هر چند که «وبر»

معتقد است در دوره‌های فشار و اضطراب فیزیکی، اقتصادی، اخلاقی، مذهبی و سیاسی پیدا می‌شود. کاریزما اساساً برخاسته از نیاز دایمی انسان به تعریف زندگی خویش و واقعیت جامعه و جهان است. به عبارت دیگر کاریزمایان در طی تاریخ غیر عقلانی انسان بطور مداوم تعاریف جدیدی از جهان و انسان عرضه می‌کنند و هرگاه پیروانی پیدا کنند که خود را به تعریف عرضه شده متعهد سازند، یک جنبش اجتماعی پدید می‌آید. چنین جنبش‌هایی معمولاً در شرایط تهی شدن زندگی از معنا، پدید می‌آیند و نارضایتی از محیط پیرامون، سبب می‌شود که پیروان کاریزمایی جدید بر این باور برسند که تعریف و تفسیر تازه از جهان و انسان پاسخ بهتری به مسئله خلأ معنوی مزبور می‌دهد. میان پیروان و رهبران کاریزما، کنشی عاطفی از نوع ارادت بر قرار است. مشخصه مهم اندیشه کاریزما در آراء «وبر» در واقع تجدید سنت است. سنت‌ها همواره در شرف تجدید هستند و یکی از عوامل این تجدید، نیروی کاریزما است. جنبش پروتستان در اروپا خود مهمترین نمونه تجدید چنین سنتی بود.



ویژگی‌های رهبران کاریزما (فرهمند)

- ۱- اعتماد به نفس: آنان نسبت به توانایی و قضاوت خود اعتماد کامل دارند؛
- ۲- دیدگاه: هدف آرمان‌گرایانه‌ای دارند که آینده را بهتر



علل و زمینه‌های شکل‌گیری ائتلاف عبری - عربی

- ۲) در سطح منطقه‌ای
 ۱- تغییر موازنه منطقه‌ای
 ۲- افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران
 ۳- قدرت یابی جنبش‌های اسلامی و شیعی منطقه
 ۴- تضعیف ناسیونالیسم عربی و اولویت یافتن تهدید ایران

علل و زمینه‌های شکل‌گیری ائتلاف عبری - عربی

- ۱) در سطح بین‌المللی
 ۱- سیاست‌های متفاوت اوباما و ترامپ در قبال خاورمیانه
 ۲- توافق هسته‌ای برجام

ائتلاف دو فاکتور عبری - عربی و امنیت ملی ج.ا.ایران

سال‌های اخیر در نظام بین‌الملل و به ویژه در سطح منطقه، که موجب تشدید آناژشی در ژئوپلیتیک خاورمیانه شده، برخی از کنشگران اصلی را به سمت ائتلاف‌سازی در برابر تهدیدات مشترک سوق داده است. از جمله کشورهایی که در این بین گام‌های جدی را در روند ائتلاف‌سازی برداشته‌اند، اسرائیل و عربستان سعودی می‌باشند.

تهدیدات ائتلاف عبری - عربی علیه امنیت ملی ایران

- ۱- تقویت ایران‌هراسی و تغییر در بلوک‌بندی منطقه‌ای
 ۲- تغییر موازنه قدرت و ساختار امنیتی منطقه
 ۳- تسری ناامنی و بحرانی در ایران
 ۴- تشدید اختلافات فرقه‌ای - هویتی در ایران

علل و زمینه‌های شکل‌گیری ائتلاف عبری - عربی

- ۳) در سطح داخلی
 ۱- حاکمیت نخبگان جدید در عربستان
 ۲- مشکلات داخلی اسرائیل و سیاست خارجی تهاجمی



مدیر مسئول و صاحب امتیاز: مهندس مهدی کیان
 سردبیر: مهندس مهدی کیان
 شماره مجوز: ۸۳۵۸۳
 وبسایت نشریه: www.panahemardom.ir
 نشانی دفتر نشریه: تهران، تهرانپارس، وفادار شرقی،
 بین ۱۳۳ و ۱۳۵ شرقی، کوچه ۲۲۲ شرقی، پلاک ۳۱۱
 شماره‌های تماس: ۰۹۱۹۳۵۴۶۲۴۸ - ۰۲۱-۷۷۱۲۸۳۶۳
 فکس: ۰۲۱-۷۷۱۲۸۳۶۳

پناه مردمی از بزرگان
 مدح آموخته‌ام که مردم فراموش خواهند کرد شما
 چه گفتید...
 فراموش خواهند کرد چه کردید...
 اما هرگز فراموش نماند که
 چه حس به آنها منتقل کردید.

ما آنچو

نشریه پناه مردم را در شبکه‌های اجتماعی با ID زیر دنبال کنید:

@panahemardom

صمیمانه منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما عزیزان هستیم.

خرید نسخه دیجیتال از وبسایت www.jaaar.com

فصلنامه الکترونیکی پناه مردم ● شماره ۸ ● آذر ۹۹ ● ۱۲ صفحه ● قیمت: ۱۵۰۰ تومان

۱۲

دلایل سردرد

رایج‌ترین محرک‌های سردرد عبارتند از:

- + بیماری‌هایی مانند عفونت‌های سینوسی، سرماخوردگی، تب و عفونت گلو؛
- + استرس؛
- + خستگی چشم یا کشیدگی پشت؛
- + عوامل محرک محیطی مانند دود دست‌دوم تنباکو و رایحه‌ی منتشره از مواد شیمیایی و عطرها؛
- + زمینگی خانوادگی به‌ویژه در خصوص سردردهای میگرنی؛
- + حساسیت‌های غذایی؛
- + عدم تعادل هورمونی؛
- + عدم تعادل ویتامین‌ها و مواد مغذی؛
- + آپاراتام (نوعی شیرین‌کننده‌ی مصنوعی کم‌کالری).

بارداری‌های زیر ۱۸ سال چه عوارضی دارد؟

خطر بالای سقط

عوارض شدید پس از زایمان

بالا رفتن خطر سرطان دهانه رحم

خوردن میوه بصورت ناشتا چه خواصی برای بدن دارد؟

خوردن میوه، به صورت ناشتا و به عنوان صبحانه، با رساندن قند طبیعی به بدن می‌تواند به سوخت‌وساز بهتر بدن کمک کند و همچنین باعث پاکسازی روده می‌شود.
 میوه‌ها سرشار از ویتامین C و آنتی‌اکسیدان هستند که سبب تقویت سیستم ایمنی بدن می‌شوند و افرادی در وعده‌ی صبحانه‌ی خود از میوه‌ها استفاده می‌کنند، کمتر بیمار می‌شوند.

۴ و چند نکته دانستنی دیگر

بوییدن روغن بادام تلخ، هسته آلبالو، دارچین، رازیانه، زیره یا عطرها که اسانس و عصاره گل رز دارند، همچنین اسانس نعنا، اکالیپتوس و پوست لیمو می‌تواند محرک‌های خوبی برای بویایی باشد.

هرگز روی زخم‌تان بتادین نریزید!

بتادین برای تمیز کردن دور زخم استفاده می‌شود نه خود زخم!

بتادین خاصیت خوردندگی دارد و ترمیم زخم شما را طولانی‌تر می‌کند!...

اگر لامپ کم‌مصرف درون خانه شکست پنجره را باز و خانه را برای ۲۰ دقیقه ترک کنید.

وجود فلز سمی و سرطان‌زای جیوه در لامپ کم‌مصرف و امکان استشاق آن و خطر بسته شدن رگ‌ها و مسمومیت است.

استفاده از هدفون به مدت یک ساعت باکتری‌های گوش‌تان را تا ۷۰۰ برابر افزایش می‌دهد.

کودکان را در سانروف ماشین قرار ندهید.

متاسفانه خانواده‌ای که ماشین نو تحویل گرفت و ماشین سانروف داشت، طبق معمول بچه سرشو برده بیرون و بعد کودک ۷ ساله در اثر باد شدید و نرسیدن اکسیژن به مغزش به کما رفته و فوت شد.

مطالعات اخیر تفاوت مرحله بهبودی را در بیماران سکنه مغزی که به طور منظم به موسیقی گوش می‌دادند و بیمارانی که این کار را انجام نمی‌دادند نشان داده است. بیماران سکنه مغزی که به طور منظم به موسیقی گوش می‌دهند در مقایسه با گروه دیگر سریع‌تر بهبود می‌یابند.

با کمک لیمو ترش و زنجبیل وزن‌تان را کاهش دهید.

نوشیدن آب گرم حاوی آلیمیوی تازه هنگام صبح، گزینه‌ای مناسب برای سم‌زدایی بدن، چربی‌سوزی و دریافت ویتامین C و آنتی‌اکسیدان‌های دیگر است.

نوشیدن آب گرم همراه با ابلیمو و زنجبیل افزایش اندک دمای بدن را به همراه خواهد داشت و موجب چربی‌سوزی می‌شود.

همچنین، این نوشیدنی می‌تواند به کاهش التهاب، تسکین دردهای معده، و تسکین یبوست کمک کند.



دانستنی‌ها

علت کلسترول بالا چیست؟

کلسترول یک نوع ماده چرب است که توسط کبد برای محافظت از اعصاب ساخته می‌شود و به ساخت بافت‌های سلولی و تولید برخی گروه‌های خاص کمک می‌کند.
 علت ایجاد کلسترول:

۱. فشار خون بالا
۲. اضافه وزن
۳. مصرف دخانیات و الکل
۴. عوامل ژنتیکی و ارثی

کنترل کلسترول:

۱. ترکیب دارچین و جو
۲. مصرف آب کلم
۳. مصرف آرتیشو
۴. روغن زیتون و روغن‌های گیاهی
۵. آب و هویج و اسفناج
۶. دانه‌های گشنیز در سالاد
۷. مصرف پیاز و سیر
۸. مصرف سیب
۹. مصرف غلات
۱۰. استفاده از قارچ
۱۱. مصرف نکردن کله پاچه

نکته: در نظر داشته باشید کلسترول فقط در منابع حیوانی وجود دارد و در منابع گیاهی هیچ‌گونه کلسترولی ندارند.

نهایی‌ها برای تقویت بینایی و چشم

- + از مصرف گوشت‌های خشک و فرآوری شده تا حد امکان پرهیز کنید.
- + برای جلوگیری از ضعف بینایی و دید، مصرف غذاهای غلیظ مانند حلیم و کله پاچه را به حداقل برسانید.
- + سیر و با شکم پر خوابیدن از علل دیگر ایجاد ضعف چشم است.
- + در حالت سیری هرگز به غذا خوردن ادامه ندهید.
- + مواد غذایی نفاخ و تحریک‌کننده معده و روده عدس، پیاز، سیر، تره، شاهی، بادجان، باقلا، لوبیا، کلم، شوید، زیتون خام، خوراکی‌های ترش مانند سرکه، سیب ترش برای بینایی خوشایند نیستند.
- + مصرف زیاد خوراکی‌های شور مانند کنسروها، خیارشور، چیپس و پفک دلیلی است بر ضعف بینایی شما.

راهکارهای سالم و خانگی برای سرماخوردگی

- + دم‌کرده گل گاوزبان، دمنوشی برای سرماخوردگی.
- گاهی اوقات سرفه‌های فصل سرما را هیچ قرص و شربت‌ی درمان نمی‌کند، اما تجویز یک جوشانده سنتی مانند گل گاوزبان به صورت مرهمی قوی عمل خواهد کرد.
- دم‌کرده گل گاوزبان را به همراه کمی لیمو عمانی، یک دمنوش مناسب برای مقابله با سرماخوردگی است. این دمنوش به شرط ترش نبودن به خصوص در ابتدای شروع علائم سرماخوردگی، یک نوشیدنی مناسب برای بهبود حال بیمار است.
- گل گاوزبان در درمان سرفه‌های مزمن، وقفه‌های تنفسی و آسم‌های خفیف نیز موثر است. در درمان سرفه‌های خشک می‌توان گیاه گل گاوزبان را با بابونه، سنبل‌الطیب، شقایق مخلوط نموده و دم کرده حاصل از این چند گیاه را روزی ۳-۲ بار بنوشید.
- + عنب سیستم ایمنی را تقویت می‌کند.
- برای خلاصی از سرفه، سرماخوردگی، آنفلوآنزا، و انواع گلودرد جوشانده عنب را دریابید.
- + همچنین در زمان سرماخوردگی، به اندازه کافی آب بنوشید!
- آب کافی بدن را هیدراته کرده و به بدن در حذف پاتوژن‌ها و ویروس‌ها کمک می‌کند. روند بهبودی را نیز تسریع بخشیده و درد گلو را نیز تسکین می‌بخشد.



معجزه تار ابریشم در درمان قطع نخاع

منبع: خبرگزاری ایرنا

عصب می‌تواند بر روی آن رشد کند. گروه تحقیق دانشگاه کوبین مری، الیاف ابریشم را در نسوج کشت شده و همچنین حیوانات آزمایش کرده است که در دو مورد، نتیجه موفقیت‌آمیز بوده است. پرفسور پرستلی می‌گوید: در تصاویری که از روند رشد سلول‌های عصب گرفته شده، دو تحول دیده می‌شود. یکی رشد فیبرهای عصب در کنار ابریشم و دیگری رشد سلول‌های کمکی موسوم به شوآن است که برای بازسازی عصب نقش بسیار مهمی دارد. وی می‌گوید: در آزمایش‌هایی که بر روی حیوانات صورت گرفته الیاف ابریشم به رشد عصب در ناحیه نخاع و عصب جنبی کمک کرده است. پرفسور پرستلی همچنین گفت: یکی از مزایای الیاف ابریشم این است که می‌توان آنها را به شکل لوله‌هایی پیچیده برای جاسازی عصب درآورد. از این لوله‌های

دانشمندان انگلیسی براساس تحقیقاتی ابراز امیدواری کردند که بتوان از الیاف ابریشم برای کمک به ترمیم عصب‌های آسیب دیده استفاده کرد. این دانشمندان ثابت کردند عصب می‌تواند در کنار دسته‌ای از الیاف خاص، موسوم به "اسپایدراکس" که مشخصه‌های مشابه تار عنکبوت دارد، رشد کند. این گروه از محققان امیدوارند که تار ابریشم بتواند عصب قطع شده (حتی در موارد قطع نخاع) را نیز به رشد مجدد وادار کند. کرم‌های ابریشم که ابریشم "اسپایدراکس" را تولید می‌کنند به لحاظ ژنتیکی دستکاری شده‌اند تا الیاف مناسب پیوند با سلول عصب را بسازند. پرفسور "جان پرستلی" از دانشگاه "کوبین مری" لندن که سرپرستی این تحقیق را برعهده دارد، می‌گوید: الیاف ابریشم مانند یک داربست عمل می‌کند و سلول‌های

داروهای ضدسرطان با نانو ذرات جدید از راه می‌رسند

داروی ضدسرطانی مذکور را کلسیم و سیترات تشکیل می‌دهد که اثر درمانی مناسبی بر روی تومورهای سرطانی دارد. یک لایه از جنس لیپید روی این نانوذرات را پوشانده که تنها در درون سلول‌های سرطانی تجزیه شده و اجازه آزاد شدن داروها را می‌دهد. لیپید یک لایه دارای ترکیبات آلی از جنس هیدروکربن است که معمولاً در آب حل نمی‌شود، اما در اکثر حلال‌های غیرقطبی و آلی حل می‌شود. لیپیدها در ساختار خود دارای اتم‌های اکسیژن، نیتروژن، فسفر و هیدروژن هستند. تا به حال از این روش برای نابودی ۴۰ تا ۷۰ درصد از تومورهای سرطانی در موش‌ها استفاده شده و تأثیرگذاری آن به خصوص بر روی تومورهای تهاجمی‌تر بیشتر بوده است. همچنین بعد از گذشت ده ماه از استفاده از این روش درمانی عوارض جانبی خاصی در موش‌ها مشاهده نشده است.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از نیواطلس، محققان آلمانی موفق به ابداع نانوذراتی تازه شده‌اند که می‌توان داروهای ضدسرطان را در درون آنها گنجاند. نانوذرات یادشده داروها را به طور دقیق به درون تومورهای سرطانی منتقل می‌کنند. داروهای یادشده تنها در درون محیط این سلول‌ها حل و فعال می‌شوند و در نتیجه سلول‌های سالم بدن آسیبی نمی‌بینند. این روش برتری آشکاری بر برخی روش‌های درمانی دیگر متداول برای مقابله با سرطان مانند شیمی‌درمانی و پروتودرمانی دارد که در هر دوی این روش‌ها سلول‌های سالم بدن نیز آسیب می‌بینند و فرد با درد و عوارض جانبی متعددی دست و پنجه نرم می‌کند. نانوذرات یادشده متخلخل هستند و باعث ایجاد حساسیت و واکنش نامناسب سیستم ایمنی بدن نیز نمی‌شوند. بخش عمده

شادترین کشورهای دنیا کدامند؟

- 1 فنلاند
- 2 دانمارک
- 3 سوئیس
- 4 ایسلند
- 5 نروژ
- 6 هلند
- 7 سوئد
- 8 نیوزیلند
- 9 اتریش
- 10 لوگزامبورگ

بر اساس ۶ فاکتور اصلی، کشورها رتبه بندی می‌شوند: تولید ناخالص داخلی، امید به زندگی، بخشندگی، حمایت اجتماعی، آزادی و فساد

هر ساله لیست شادترین کشورهای دنیا اعلام می‌شود که امسال فنلاند به عنوان شادترین کشور دنیا انتخاب شد.